



چهاردهمین سالگشت ۱۹ بهمن
شصتین سالگشت ۲۲ بهمن

مبارزه و مقاومت

دهقانان ایران

"سیاست ارتجاعی و ضد دهقانی هیئت حاکمه به تشدید ورشکستگی اقتصاد کشاورزی و مهاجرت توده‌ای دهقانان منجر شده ، توده دهقانان علیه این وضع به اشکال مختلف در سراسر کشور مبارزه میکنند. سیاست هیئت حاکمه دایر بر دفاع از بزرگ مالکان با مقاومت و اعتراض دهقانان روبرو است. رژیم بسیاری از دهقانان را به خاطر مقاومت در برابر مالکان بزرگ به زندان افکنده است. مبارزه علیه بزرگ مالکی و بطور مشخص علیه بازگشت بزرگ مالکان به روستاها عمده‌ترین و دترین موضوع مبارزه دهقانان است."

قطعه نامه "وضع سیاسی، جنبش توده‌ای و وظایف ما" بلنوم
مهر ماه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۲ بهمن ۱۳۶۳

فهرست مطالب

- ۳ - تشدید اعتراض و مبارزه در روستا
- ۶ - ارتجاع حاکم علیه هیئت های هفت نفره
- ۹ - واحدهای "مشاع" در حال تلاشی
- ۱۱ - ورشکستگی کشاورزی و خانه خرابی دهقانان
- ۱۶ - روستائیان کشور ما همچنان از ابتدایی ترین امکانات زندگی محرومند
- ۱۸ - بازار برنج کشور در انحصار تجار بزرگ
- ۲۱ - مبارزه دهقانان علیه بازگشت بزرگ مالکان تشدید می شود
- ۲۵ - آمار سخن می گوید
- ۲۹ - گزارشات ، مبارزات و مطالبات دهقانان
- ۴۲ - خبرهایی از روستاهای میهنمان

تشدید اعتراض و مبارزه در روستا

با پیروزی انقلاب بزرگ بهمن دهقانان کشور ما امیدوار شدند، بزرگ مالی برانداخته شود، زمین کافی به دهقانان واگذار گردد و ظلم و ستم سالیان طولانی از روستاها رخت بر بندد، اما با خیانت رهبران جمهوری اسلامی به انقلاب و مردم امید آنان تحقق نیافت، اکنون دهقانان همچنان در راه دستیابی به خواسته‌های اساسی خود مبارزه می‌کنند.

در طی سال جاری هجوم بزرگ مالکان "حکم" دارو بی‌حکم که از حمایت همه جانبه ارگانهای سرکوب رژیم برخوردارند، برای بازپس گرفتن زمین دهقانان با شدت بیشتری ادامه یافت. بزرگ مالکان فراری به روستاها هجوم آوردند و حکام مرتجع جمهوری اسلامی بی وقفه برای بازگرداندن اوضاع به وضع سابق تلاش کردند. دهقانان زحمتکش در روستاهای مختلف متقابلاً به اعتراض و مقابله دست زدند و در بسیاری از نقاط کشور مانع از بازگشت بزرگ مالکان و اجرای احکام حکام شرع جمهوری اسلامی شدند. در این درگیریها ارگانهای سرکوب رژیم دهقانان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعداد بسیاری را دستگیر و زندانی نمودند. ولی علیرغم این جنایات، مقاومت و مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین برای تحقق خواست اساسی شان، یعنی انجام اصلاحات ارضی، کسب زمین و حفظ زمینهای مصادره‌ای لحظه‌ای خاموش نشده، همچنان ادامه دارد.

طی سال جاری دهقانان زحمتکش اعتراض خود را علیه ادامه جنگ خانمان برانداز ایران و عراق به اشکال مختلف ابراز کردند. اکنون دهقانان که بیشترین نیرو را به جبهه‌های جنگ اعزام می‌کردند و بسیاری از فرزندان آنها طعمه جنگ طلبیهای ارتجاع حاکم گردیدند، بطور فزاینده با اعزام فرزندانشان به جبهه‌ها مخالفت می‌کنند.

امروز رژیم قادر نیست بدون اسلحه و زندان مالک فراری را دوباره به ده بفرستد. آگاهی توده دهقانان، جنبش ضد بزرگ مالکی را زنده نگاه داشته است. با اطمینان باید گفت بدری که در روستاها پاشیده شده چنان ریشه گرفته که نه سرنیزه و آندام و سپاه و نه فریبکارهای مرتجعین هیچ کدام قادر نیست به مبارزه دهقانان و همه زحمتکشان علیه بزرگ مالکی پایان دهد.

از گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان

آنها با زاندارها و سایر ارگانهای رژیم که برای دستیگری مشمولین به روستاها یورش می آورند، مقابله می کنند. آنها فرزندان خود را فراری می دهند، رژیم در موارد بسیاری پدران و مادران مشمولین و سربازانی را که از حضور در جبهه ها خودداری می کنند گروگان گرفته و یا زندانی می کند. دهقانان در بسیاری از روستاها، از کمک نقدی و جنسی به جنگ سرباز نمی زنند و علنا عدم حمایت خود را از سیاستهای جنگ افروزان رژیم، اعلام می نمایند.

طی سال جاری همچنان مهاجرت روستاییان محروم به شهرها بسیار شدت هرچه بیشتر ادامه یافت، بسیاری از دهقانان زحمتکش که سیاستهای ضددهقانی رژیم آنها را خانه خراب کرده است دست از خانه و کاشانه خود کشیدند و برای پیدا کردن لقمه ای نان راهی شهرها شدند. اکنون میزان مهاجرت دهقانان به شهرها سرسام آور است. این مرز رژیم را به وحشت انداخته است. رژیم با ادامه سیاستهای کنونی خود به هیچ وجه قادر نیست جلوی مهاجرت توده ای روستاییان به شهرها را بگیرد و اعمال فشار و ایجاد محدودیت برای روستاییان آواره که در حاشیه شهرها، در بیخوله ها و حلبی آبا دهها سکونت گزینند راه به جایی نخواهد برد.

دهقانان میهن ما در سال گذشته نیز به دلیل عدم تامین احتیاجات تولیدی شان، در تنگنا بودند در مورد رزیدنی آنها به دلیل نبودن بذر، کود، و ام و غیره زمینها را بدون کشت رها کردند. رژیم که با تشکیل ارگانهای رنگارنگ در روستاها تنها به هرچ و مرج در راه اینه خدمات تولیدی به روستاییان ادامه داده است، نتوانست به نیازهای اساسی تولید زراعی در روستاها پاسخ گوید. کمبود کود و بذر، سموم دفع آفات، و ام و وسایل یدکی ماشین آلات کشت و ریزی و حتی سوخت، دهقانان میهن ما را شدیداً در تنگنا قرار داده است و به تولیدات روستایی لطومات و صدمات جدی زده است. در این مدت تامین نیازهای تولیدی یکی از خواستهای مهم دهقانان سراسر کشور بود و اعتراض آنان در این موارد نیز علیه ارگانهای ذیربط رژیم و هیات حاکمه ادامه داشت.

در سال گذشته رژیم علیرغم تبلیغات گسترده و هوجنجال فراوان اقدامی در رابطه با تامین امکانات برای بهزیستی روستاییان و عمران روستاها صورت نداده است. رژیم نه تنها به وضع بهداشت و درمان، آب آشامیدنی و حمام، مدرسه و مسکن و... روستاییان تغییر جدی نداد، بلکه هیچ برنامه ای هم برای از میان برداشتن این وضع اسفناک ندارد. به اعتراف مسئولان حکومتی و نمایندگان مجلس روستاییان

کشور از این نظر در بدترین و سختترین شرایط قرار دارند. حتی در روستاهای مجاور شهرهای بزرگ کشور نیز، از بی دوايي و نبودن دکترو آب و حمام و... رنج می برند. در بسیاری از روستاها دهقانان زحمتکش و مردم محروم به این وضع اسفناک اعتراض کرده و می کنند.

طی سال گذشته، دهقانان همچنان برای تامین کالاهای مصرفی

زندگی روزانه خود با مشکلاتی جدی مواجه بودند. مدیران و مسئولان غالب شرکتهای تعاونی مصرف روستایی که اندک سهمیه روستاییان را توزیع می کنند، خود جزء گردانندگان بازار سیاه کالاهای مصرفی هستند. در بعضی نقاط طی یکی دو سال گذشته در پی اعتراضات شدید روستاییان با رها مدیران این تعاونیها به اتهام دزدی و رشوه گیری و غیره، تعویض شده اند. آنها یک فلاسک ۸۰ تومانی را تا هزار تومان و یک داس ۹۰ تومانی را تا ۷۰۰ تومان به روستاییان می فروشند.

(برای نمونه در تعاونیهای آذربایجان غربی)، سهم دهقانان از کالاهای سهمیه بندی شده را می دزدند و یا به بهانه های گوناگون نظیر گذشتن مدت کوبین و از این قبیل، سهم آنها را نمی دهند، و یا از طریق واسطه ها و دلالتها، قنذرا کیلویی ۳۵ تومان به روستاییان می فروشند. طی این مدت دهقانان سراسر کشور نسبت به این وضع و عملکردهای این تعاونیها اعتراض خود را گسترش دادند. و در مواردی نیز مدیران و کارکنان فاسد این شرکتها را کتک زدند و خواهان نظارت بر کار آنها شدند. ولی رژیم تاکنون به این معضل چندین ساله مردم روستاها ترتیب اثری نداده است.

در این مدت رژیم برای تضعیف مبارزه و مقاومت دهقانان کوشید جلوی تشکل آنها را بگیرد و شوراهای مردمی را از مضمون خود تهی سازد. رژیم تلاش کرده ر شوراهای بر علیه بزرگ مالکان و ارگانهای سرکوب رژیم ایستادگی و با دهقانان همراهی نمود، منحل کندها را آنها به دست گیرد. برای این منظور اغلب به تجدید "انتخابات" شوراهای پرداخت تا شایع دعوا مل خود را در آنها جای دهد. همچنین رژیم به تلاش خود برای به دست گیری مبارز شوراهای، برای تحکیم موقعیت خود در روستاها، همچنان ادامه داد. ولی علیرغم این تلاشها هنوز شوراهای مردمی در مناطق گوناگون وجود دارند. مجموع رویدادها نه تنها تشدید مبارزه دهقانان در همه جهات فوق را اثبات می کند، بلکه گسترش این روند را آینده را نیز به خوبی نشان می دهد.

“ارتجاع حاکم علیه هیاتهای هفت نفره”

هیاتهای هفت نفره واگذاری زمین در سال ۱۳۵۹ برای اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب تشکیل گردیدند و تا اواخر سال ۵۹ که اجرای بند “ج” و “د” توسط خمینی لغو شد، فعالیت کردند. از زمان لغو بند “ج” و “دال” هر روز فعالیت هیاتهای هفت نفره محدود و محدودتر شده است.

هیاتهای هفت نفره که معمولاً دو عضو متغیر آن از دهقانان منطقه ای که هیات به آنجا رسیدگی می کند انتخاب می شدند، در اغلب موارد با مسایل و مشکلات روستاییان آشنا بودند. آنها از اجرای اصلاحات ارضی پشتیبانی می کردند و اجرای آنرا به نفع مردم می دانستند. ولی ارتجاع حاکم از این موضع هیاتها خرسند نبوده و تمام تلاش خود را مصروف آن داشته است که هیاتهای هفت نفره را به کارگزاران سیاستهای ارتجاعی خود در روستاها مبدل سازد.

سمینارهای سراسری هیاتهای هفت نفره در فروردین و شهریور ماه سال ۶۱ که پشت درهای بسته انجام پذیرفت، تماماً به جروبحث هیاتها با مقامات حکومتی پیرامون ضرورت اجرای اصلاحات ارضی سپری شد. ارتجاع کوشید تا در خلال سمینارهای مذکور هیاتها را با سیاستهای خود مبنی بر “ضرورت” حمایت از بزرگ مالکان توجیه کند، ولی موفقیت چندانی نیافت. از آن پس بود که منزوی کردن هیاتها، سیاست هیات حاکمه شد.

در پی چنین سیاستی در سال جاری نیز هیاتهای هفت نفره بیش از پیش در منگنه قرار گرفتند. ارتجاع حاکم بر سر راه فعالیت سودمند آنها در اداره زمینهای کشت موقت و واگذاری زمینهای موات که همه وظایف آنها توسط هیات حاکمه به آن محدود شده است، محدودیتهای باز هم بیشتری ایجاد نمود. بخش قابل ملاحظه ای از اراضی کشت

موقت توسط حکام شرع دادگاههای انقلاب به بزرگ مالکان باز گردانده شد. هیاتها بعنوان اعتراض به این مساله، در این مورد از خود سلب مسئولیت کردند. ولی پس از مدتی مجدداً “شورای عالی قضایی” بدون اینکه “علل مسایل بر طرف شود” مسئولیت زمینهای کشت موقت را برای خالی نبودن عریضه به آنها واگذار کرد. در سال گذشته همچنین علیه فعالیت مثبت هیاتها در واگذاری زمینهای موات نیز عملاً موانعی ایجاد شد. بطوریکه فاضل هرندی گفت: “ناهماهنگی و ناموزونی بین هیاتها و جنگلیانها و ادارات منابع طبیعی است، در مورد اینکه آیا واگذاری این زمین (موات) به مصلحت هست یا مصلحت نیست” (اطلاعات - ۶۳/۸/۲۸).

در سال جاری از طرف هیات دولت به هیاتهای هفت نفره وظیفه جدید واگذاری زمینهای بیش از یک عرف محل به “شخصیتهای حقیقی و حقوقی” که مایل به “سرمایه گذاری بیشتر در امر کشاورزی” هستند داده شد. و بدین ترتیب دولت هیاتها را به خدمت سرمایه داران می گیرد. در سمینار سراسری اخیر هیاتهای هفت نفره (آبان ماه ۱۳۶۳) تا آنجا که مسایل مطروحه انعکاس یافت، مباحثات عمده حول ضرورت وجود یا عدم وجود هیاتها متمرکز بوده است. نمایندگان هیاتهای هفت نفره که مدتهاست عرصه کار آنها از همه طرف محدود شده لب به شکایت و اعتراض گشودند. فاضل هرندی گفت: “قهر اراضی موات را با این وضع، هیاتها نمی توانند واگذار کنند، اراضی دایروبا پیراهم که شرعاً نمی توانند واگذار کنند، در مورد اراضی مصادره ای هم که بنیاد چیزی در اختیار هیاتها برای واگذاری نگذاشته است، بنا بر این قهر اینها در اینکه بمانیم یا نمانیم مانده اند” (اطلاعات - ۶۳/۸/۲۸). یکی از اعضای هیات هفت نفره ساری گفت: “الان بند “الف” (زمینهای موات) که عملاً در هر کجا بخواد مطرح شود با مشکلاتی مواجه است، بند “ب” (زمینهای مصادره ای) راهم که بنیاد گرفته است و در مورد بند “ج” (زمینهای دایروبا پیراهم) هم که گفته اند و ارد آن نشوید پس ما چکار کنیم، وی همچنین افزود “بزرگاری این نوع سمینارها چه فایده ای دارد، ما می بینیم در هر سمیناری که شرکت کرده ایم بعد از آن یک سنگر به عقب رفته ایم... مطرح شده است که اکنون صحبت از بند “ج” و بند “د” نباشد و مساله ما مساله استیفا حقوق نیست، بلکه مساله ما مساله خودکفایی است (۱). اگر اینطور است پس بیا بپند (اربابها) زمینها را بگیرند، و ام هم بگیرند و ما دیگر برویم”. (اطلاعات - ۱۳ و ۶۳/۸/۱۴). همچنین از مباحثات سمینار معلوم شد که دولت در طرح باصلاح جدیدی که به نام “لایحه قانونی احیاء و واگذاری اراضی موات و زمینهای در تصرف دولت” تنظیم شده است، هیاتهای هفت نفره و ستاد مرکزی واگذاری زمین را بطور کامل کنار گذاشته است. فاضل هرندی گفت: “هیچ وظیفه و مسئولیتی را در این لایحه برای کسانی که ۴ سال یا ۵ سال روی مساله زمین

کار کرده اند و زحمت کشیده اند در نظر گرفته نشده است" (اطلاعات - ۶۳/۸/۲۸). اگر این لایحه تصویب شود این هیاتها منحل خواهند شد و بدین ترتیب ارتجاع حاکم از "شر" آنها راحت خواهد شد. سمینار سراسری اخیر هیاتهای هفت نفره، به روشنی نشان داد که حکام خائن جمهوری اسلامی کوچکترین مخالفتی با خدمتگذاریشان به بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران را تحمل نمی کنند. در مقابل با این وضع اعضای مبارز مردمی هیاتهای هفت نفره تشکل و اتحاد خویش را حفظ می کنند و در مقابل سیاستهای ضددهقانسی ارتجاع حاکم می ایستند و در میان آنان این گرایش که به دهقانان کمک کنند تا خواست خود را بگیرند، قوت می گیرد.

واحدهای مشاع در حال تلاشی

در سالهای اول انقلاب واحدهای تولیدی "مشاع" که نوع ساده و ابتدایی تعاونیهای تولیدکشا ورزی هستند، در زمینهای واگذار شده به دهقانان بی زمین و کم زمین توسط هیاتهای هفت نفره واگذاری زمین تشکیل گردیدند. اهمیت واحدهای "مشاع" در آن بود که چشم انداز ایجاد تعاونیهای تولید را در روستاهای کشوری گشود.

تعاونیهای تولیدکشا ورزی از یک طرف روحیه جمعی و همکاری را در دهقانان گسترش می دهد و آنها را به یار و مددکاری یکدیگر تبدیل می کند، برای مقابله در برابر بزرگ مالکان و دیگر غارتگران که دسترنج آنها را می ربایند متحدشان می سازد و به آنها یاری می رساند و از طرف دیگر در آنها را که به دلیل قطعه، قطعه بودن زمینهای زراعی، مشکلات مربوط به آب و توزیع و انتقال آن و عدم امکان بکارگیری ماشین آلات کشا ورزی و ابزار کار پیشرفته و غیره پایین است افزایش می دهد.

در اوایل انقلاب در هر کجا که واحدهای تولیدی "مشاع" بر روی زمینهای مصادره ای و واگذار شده به دهقانان شکل گرفت و خدمات ضروری و لازم به آنها ارائه شد، دهقانان از آن استقبال کردند و از خود حرکت و فعالیت چشمگیری نشان دادند و تولید را با لایروبی کردند.

از زمان ایجاد این واحدها، میان بزرگ مالکان به عنایت و بین گوناگون علیه پا گرفتن آنها اقدام کردند و مرتجعین تا سیس آنها را "مضر" به حال کشا ورزی کشور، "مغایر" با "سنن و آداب و رسوم دهقانان" و ایده ای کمونیستی می خواندند. اکنون دیگر چهره واقعی مخالفان رنگارنگ تعاونیها برای روستاییان میهن ما افشاء شده است. مردم خوب می دانند که بزرگ مالکان و حامیان آنها هستند که با تعاون مردم و تعاونی در هر شکل و در هر سطح مخالفند.

با تشکیل واحدهای "مشاع" زمین‌هایی فراهم شد تا دهقانان محروم با بهره‌برداری مشاعی و مشترک از زمین، آب و وسایل کشت و مورتولیدی خود را پیش ببرند، تولید را افزایش دهند، از صرف هزینه‌های زیاد اضافی به دلیل پراکندگی و جدا بودن زمینها جلوگیری و امکان کشت برنامه‌ریزی شده را فراهم نمایند. با خیانت رهبران جمهوری اسلامی به انقلاب، لغو اصلاحات ارضی و حمایت آشکار آنها از بزرگ مالکان، مساله ایجاد سازمان تولید جدید در روستاهای کشاورز منتهی شد و واحدهای تولیدی "مشاع" تشکیل شده نیز مورد حمایت قرار نگرفت و اکثر آنها غیرفعال یا متلاشی گردیدند.

در سال گذشته سیرتلاشی واحدهای "مشاع" شدت با زهم بیشتری گرفت. در موارد بسیاری زمینهای واگذاری به "مشاع"ها به بزرگ مالکان برگردانده شد. در مناطقی که واحدهای "مشاع" روی زمینهای موات تشکیل گردیده بود، با قطع کمکها و خدمات تعداد زیادی از آنها متلاشی شدند و دهقانان زحمتکش عضویین واحدها، با از روستاها مهاجرت کردند و یا به کارگری بر روی زمینهای بزرگ مالکان مشغول گردیدند. این روند، همچنان در حال گسترش است.

ورشکستگی کشاورزی، خانه خرابی دهقانان

سیاستهای ارتجاعی و ضددهقانی جمهوری اسلامی اقتصاد کشاورزی کشور را به نابودی کشانده و میلیونها خانوار روستایی را خانه خراب کرده و برفقر و محرومیت آنان افزوده است.

بنا به گفته روزنامه کیهان "کشاورزی در چنان روند نزولی و افول راه می‌پیماید و در چنان کلاف سردرگمی گیر کرده که نه بعنوان تنگنا و نه بعنوان مشکل و نه به اسم بحران می‌توان از آن نام برد." (کیهان - ۶۳/۲/۲۵). چنین وضعی اساسا ناشی از سیاست جمهوری اسلامی در مورد مساله ارضی و دفاع آن از منافع بزرگ مالکان است.

بر اساس آمارهای موجود در آستانه انقلاب "۲۵ هزار خانوار بزرگ مالک حداقل ۳/۵ میلیون هکتار زمین قابل کشت در اختیار داشتند، مساحت کل اراضی آنان به ۲۱/۵ درصد از کل اراضی دایر و با یرکشور بالغ بود" (اطلاعات - ۶۱/۱۰/۷). دهقانان کم‌زمین که یک میلیون خانوار را تشکیل می‌دادند تنها ۴/۵ درصد از کل زمینهای زراعی (آبی و دیم) را در اختیار داشتند و قطعه زمین کوچک زراعی شان کفاف معاش آنان را نمی‌داد. دهقانان بی‌زمین که به صورت روزمزدی و گاه سهم‌بری در مزارع به‌کار می‌پرداختند و یا در کارگاههای بافندگی و صنایع دستی اشتغال داشتند بالغ بر نیم میلیون خانوار بودند. بدین ترتیب در آستانه انقلاب دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین ۱/۵ میلیون خانوار روستایی یعنی ۶۵ درصد جمعیت روستاهای کشور را تشکیل می‌دادند و در پیهم حدود ۷۰۰ هزار هکتار از کل زمینهای (آبی و دیم) را در اختیار داشتند. این ارقام حدت مساله زمین بعنوان خواست اساسی دهقانان از انقلاب را نشان می‌دهد.

حکومت جمهوری اسلامی در مقابل این خواست اساسی دهقانان چه کرده است؟ یکی از اعضای شورای مرکزی هیاتهای هفت نفره واگذاری

زمین در مصاحبه با کیهان (۶۳/۵/۱۵) اظهار داشت: " از خرداد ماه سال ۱۳۵۹ که این هیأت تشکیل شده بعنوان مهمترین کار توانسته مجموعه ۷۳۵ هزار هکتار زمین به زارعین واگذار کند که پانصد هزار هکتار آن از اراضی موات احیاء شده بوده است؛ وی افزود "یکی دیگر از کارهای هیأت هفت نفره اداره و نظارت و بستن قرارداد مزارع و اجاره اراضی کشت موقت بمیزان ۷۰۶ هزار هکتار بوده است." این ارقام نشان می دهد که از ابتدای انقلاب تا امروز، رژیم در مجموع ۲۳۵ هزار هکتار زمین از ۳/۵ میلیون هکتار زمینهای زراعی بزرگ مالکان را که دهقانان با اتحاد مبارزه خود با کمک نیروهای انقلابی مصادره کرده بودند به رسمیت شناخته است. بخش زیادی از زمینهای واگذار شده که فقط حدود ۷ درصد کل زمینهای بزرگ مالکان را تشکیل می دهد از پاییز سال ۶۱ تا کنون که یورش همه جانبه به دستاوردهای انقلاب آغاز گردیده از دهقانان زحمتکش باز پس گرفته شده است.

۵۰۰ هزار هکتار زمینهای مواتی که تا مراد گذاری آنها از ایسه شده است، زمینهایی است که کشت و کار در آنها با امکانات ابتدایی مقرون به صرفه نیست این زمینها که آباد کردن آنها هزینه گزافی لازم دارد، مجموعاً از زمینهای نامرغوب و دیم کاری است که به ندرت هزینه های کشت و کار خود را در یک سال زراعی تا میب می کنند. واقعیت این است که مالکان بزرگ از غصب یک وجب زمین خوب در بیخ نورزیده اند آنها حتی تپه ها و بیشه زارها را به ثبت رسانده اند و هر زمینی را که کشت و کار در آن مقرون به صرفه بوده تصاحب کرده اند. عضو شورای مرکزی هیأت هفت نفره در مورد اراضی کشت موقت در همان مصاحبه اعلام کرد که: " بستن قرارداد مزارع و اجاره اراضی کشت موقت بمیزان ۷۰۶ هزار هکتار به عهده هیأت های مذکور بوده است." سردمداران رژیم عملاً هیأت های هفت نفره را به مباران مالکان بزرگ تبدیل کرده اند. آنان زمینهای مورد اختلاف بین مالکین و زارعین را که بنا به اعتراف یکی دیگر از اعضای همین شورا (مراجعه کنید به نشریه کار شماره ۱۰) میزان قابل ملاحظه ای از آنها با توسل به ضرب و جرح و زندان دهقانان محروم به بزرگ مالکان برگشته است به دهقانان زحمتکش، اجاره می دهند و با عقب مانده ترین شیوه های استثمار فئودالی، یعنی مزارع با آنها قرارداد می بندند و اجاره و سهم مالک را بنا به حکم "شورای عالی قضایی" به حساب امانی برای بزرگ مالکان فراری واریزی کنند. بی سبب نیست که در اعتراض به این وضع " شورای مرکزی هیأت های هفت نفره و اگذاری زمین " در مورد این زمینها از خود سلب مسئولیت کرد (کیهان ۶۳/۵/۱۵).

بدین ترتیب اگر آثارهای ارایه شده توسط حکومت مبنای قرار گیرد، تا قبل از بازگشتن بزرگ مالکان به روستاها از ۱/۵ میلیون

خانوار دهقان بی زمین و کم زمین تنها حدود " ۹۵ هزار خانوار از آنها" (کیهان ۶۳/۵/۱۵) زمینهایی اعم از موات، دایرو یا پردریافت داشته اند و از ۳/۵ میلیون هکتار زمینهای بی رود یا بزرگ مالکان تنها ۷ درصد آن در اختیار دهقانان قرار داشته است. این ارقام نشان دهنده این است که با گذشت ۶ سال از انقلاب بخش اعظم دهقانان زحمتکش کشور را محروم از تکه زمینی که بر روی آن کارکنند و معاش خود را تأمین نمایند همچنان زیرستم و زورگویی بزرگ مالکان و ارگانهای سرکوب رژیم قرار دارند. رژیم که اصلاحات ارضی را رد کرده و به جای واگذاری زمینهای بزرگ مالکان به دهقانان در موارد بسیاری به ابطال اسناد مالکیت دهقانان مشغول شده همچنان برای سرپوش گذاشتن برخیا نیت خود و گمراه کردن دهقانان به هیاهو پیرامون تزواگذاری زمینهای موات مشغول است. آذری قمی یکی از مرتجعین چندی پیش در همین زمینه گفته است: " مساله زمین خوشبختانسه حل است، یعنی مساله عمده ای نیست برای اینکه مملکت ما وسیع است و زمین حاصلخیز هم زیاد است و هیچ لزومی ندارد که زمینهای افراد را تکه تکه کنند و باز دهی آنرا پایین بیاورند و سراغ آن زمینهای موجود که بلا منازع هم هست نروند. همینطور که امام اشاره فرمودند و این مساله را محرز داشتند که کشاورزی چیزی است که دست بخش خصوصی است." (ضمیمه اقتصادی اطلاعات - ۶۳/۸/۶).

سیاستهای ضد دهقانی ارتجاع حاکم در تثبیت نظام بزرگ مالکی، عامل اصلی بحران اقتصاد کشاورزی کشور و فقر و محرومیت میلیونها دهقان زحمتکش و مهاجرت آنان به شهرها است. روزنامه کیهان در تاریخ (۶۳/۲/۲۰) نوشت: " کاهش سهم کشاورزی در تولید ملی... نشان می دهد بحران کشاورزی نه تنها همچنان گریبانگیر جامعه ماست، بلکه آهنگ افزایش آن از سالی به سال دیگر در حال جهش است." نادانی نماینده مجلس اظهار داشت: " با توجه به اینکه در سال ۶۲... کشاورزی محور بوده، در وضعیت اسفباری قرار داشت، از نظر سطح کشت نسبت به سال ۶۱ گندم ۱۳ درصد، برنج ۲۴/۵ درصد، چغندر قند ۱۵/۵ درصد و پیاز ۲۳ درصد کاهش داشته ایم و از نظر عملکرد و برداشت در هکتار، در محصولات عمده از ۳/۵ تا ۱۷/۸۶ درصد کاهش داریم." وی همچنین افزود " سعی کنیم گندم از ۴۰۰ هزار تن وارداتی سال ۵۸ به ۳ میلیون و ۱۵۰ هزار تن افزایش پیدا نکند و برنج از ۳۷۱ هزار تن سال ۵۸ به ۷۵۰ هزار تن سال ۶۲ و روغن ۲۸۰ هزار تن به ۴۰۰ هزار تن و گوشت به ۲۴۰ هزار تن و علوفه به ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تن افزایش نیابد" (کیهان - ۶۳/۵/۲۳). مدیرکل کشاورزی آذربایجان غربی چندی پیش گفت که در این استان تولید (گندم) که در سال ۶۰ حدود ۳۳۸ هزار تن بود در سال ۶۱ به حدود ۱۹۳ هزار تن رسید... همچنین تولید انگور ۲۸ درصد و سیب زمینی ۲۴/۵ درصد کاهش یافتند (کیهان - ۶۳/۲/۳). این افشاگرها، ابعاد فاجعه را به خوبی

نمایان می سازد. این ارقام مبین ورشکستگی کشا ورزی و خانسه خرابی میلیونها دهقان زحمتکش است. چنین وضعی باعث شده است که در سال ۱۳۶۱ ارزش مواد غذایی وارداتی به ۴/۸ میلیارد دلار بالغ گردد، در صورتیکه ارزش واردات مواد غذایی در سال ۱۳۵۶ و در اوج ورشکستگی اقتصاد کشا ورزی برابر ۱/۷ میلیارد دلار بود.

کشا ورزی کشور ماکه می تواند در تولید بسیاری از محصولات، خودکفا، حتی صادرکننده باشد، اکنون به چنان وضعی گرفتار شده است که دهقانان از تامین نیازهای اولیه زندگی روزمره خود عاجزند و گروه گروه به شهرها مهاجرت می کنند. سالانه حدود یک میلیون نفر از روستاهای کشور به شهرها مهاجرت می نمایند. چندی پیش شهردار تهران اعلام کرد که در سال جاری روزانه یک هزار و پانصد نفر از روستا بییان یعنی بیش از نیم میلیون نفر در سال، تنها به شهر تهران مهاجرت می کنند. ابعاد فاجعه زمانی روشن ترمی شود که بدانیم در آخرین سال حکومت شاه خائن در سال ۵۶ که وضع اسفناکی در روستاهای کشور حاکم بود تعداد مهاجرین روستاها به شهرها در کل کشور از نیم میلیون نفر تجاوز نمی کرد. اکنون این هموطنان بی پناه در حاشیه شهرها، در حلی آبادها و بیخوله ها زندگی بسیار دشوار و آوارگی را می گذرانند و همه روزه برای نان، آب و حداقل امکانات زیستی با آرگانهای سرکوب رژیم دست بگریبیا نند. نماینده شیروان در مجلس گفت: "مسلمانا اگر روستایی وسیله امرامعاش داشته باشد به هیچ قیمت حاضر نخواهد شد محل ودیا ر خود را برای پرکردن شکم خود و خانواده اش ترک کرده. و مهاجرت را در پیش گیرد. (کیهان - ۶۲/۷/۴) در بررسی علل و عوامل بحران در اقتصاد کشا ورزی کشور با یدبسه مسایل دیگری نیز اشاره کرد که عدم تامین نیازهای تولیدی، امکانات فنی و کمکهای مالی به دهقانان محروم و سوء استفاده در توزیع حداقل امکانات موجود از آن جمله اند. نماینده قوچان در مجلس گفت: "خدمات دولتی بیشتر به جیب عمده مالکان می رود." (کیهان - ۶۲/۸/۱۲). نماینده مراغه مدتی قبل اظهار داشت: "... در حال حاضر که وقت کشت پاییزه فرا رسیده است افراد زیادی به انتظار تحویل یک حلقه لاستیک تراکتور نشسته و از فعالیت باز مانده اند..." (کیهان - ۶۲/۷/۴). بی برنامهگی و برنامه ریزیهای غلط و غیر علمی رژیم، نداشتن سیاست کشت و سیاست قیمت گذاری محصولات و تضمین قیمتها، عدم هماهنگی در کارادارات و آرگانهای گوناگون فعال در بخش کشا ورزی، تعطیل کارهای ترویجی، بی برنامهگی در زمینه تربیت کادر متخصص فنی و علمی نیز از عوامل قابل ذکر دیگر در ایجاد وضع کنونی هستند.

مانعت رژیم از انجام اصلاحات ارضی که پایه هرگونه تحول بنیادی در روستاهای کشور است، عامل اصلی بروز بحران در اقتصاد کشا ورزی و فقر وسیع روزی دهقانان زحمتکش است. دهقانان زحمتکش

که روز بروز وضعیت کشت و کار، تولید و زندگی خود را بدتر می یابند، مبارزه خویش علیه وضع موجود را گسترش می دهند. مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین علیه بازگشت بزرگ مالکان فراری و در راه کسب زمین از طریق برانداختن سلطه بزرگ مالکان همچنان ادامه دارد و تشدید می شود.

به نقل از کار - دوره دوم - سال اول، شماره ۱۱

روستائیان کشور ما همچنان از ابتدایی ترین امکانات زندگی

محرومند

علیرغم جا روجنا لهای تبلیغاتی رژیم، هم اکنون میلیونها نفر از هم میهنان روستایی ما از ابتدایی ترین امکانات زندگی محرومند و در وضع بسیار تاسف باری به سر می برند. روزنامه اطلاعات نوشت: "...حدود ۱۶ میلیون انسان در این مملکت تنها در روستا از ضروریات اولیه زندگی محروم هستند، یعنی آب ندارند، حمام ندارند، بهداشت و برق و امثال اینها ندارند." (اطلاعات - ۶۲/۹/۲). یکی از نمایندگان مجلس گفت: "یک روستایی برای تهیه یک قرص اسپرین - دوز معطل می شود، یک روز به شهر می آید و روز دیگر بازمی گردد". آب این است معنی عدالت اجتماعی" (اطلاعات - ۶۳/۸/۲۸). میزان مرگ و میر کودکان روستایی به دلیل نبودن بهداشت و درمان در روستاها روبه افزایش است. بر اساس اعتراف مسئولان حکومتی بیماریهای که در روستاهای کشور ریشه کن شده بودند، مجدداً پیدا شده اند. روزنامه کیهان در تاریخ نهم تیرماه ۶۳ نوشت، در اطراف کرج به دلیل نبودن پزشک و درمانگاه "یک روستایی برای تزریق یک آمپول باید ۲۰۰ تومان کرایه رفت و آمد بپردازد." وقتی در حومه کرج که ۴۰ کیلومتر بیشتر با پایتخت فاصله ندارد، چنین وضع اسفناکی وجود داشته باشد، در روستاهای دور افتاده کشور وضع معلوم است. نماینده مینودشت در مجلس ضمن اشاره به شیوع بیماری سالک در ترکمن صحرا و کمبود آکسن گفت: "منطقه گنبد از نظر پزشکی با مشکلاتی مواجه است. در کلاله، مینودشت و گالیکش حتی یک آمبولانس وجود ندارد، بیمارستان کلاله به فراموشی سپرده شده و درمانگاه و اتاق زایمان کلاله وضع اسفناکی دارند و برای تعیین نمره عینک در منطقه برای یک سال دیگر وقت می دهند" (کیهان - ۶۳/۸/۱۲).

آب آشامیدنی یکی دیگر از معضلات روستائیان کشور ما است، بسیاری

از روستائیان مجبورند طی یک سال از آب غیر بهداشتی، آب انبارهایی که سیلابها و بارانهای بهاری آنها را پر می کند، استفاده کنند. مردم بعضی از روستاهای مناطق گرمسیر کشور ما آب آشامیدنی خود را با مشک گاه از کیلومترها دورتر از محل سکناي خود تا مین می کنند. روزنامه اطلاعات در تاریخ هفتم آذرماه ۶۳ نوشت: "در حال حاضر کلیه روستاهای بخش "رابید" (در حوضه شهرستان رفسنجان) فاقد آب آشامیدنی، برق و جاده است، در این بخش ۷ هزار نفر ساکن هستند".

در بیشتر روستاهای کشور حمام وجود ندارد، مردم در تابستان در جویبارها و رودخانه های اطراف و یا در برکه ها استحمام می کنند و در پاییز و زمستان مجبورند از حمام صرف نظر کنند.

وضع آموزش روستائیان بدتر از بهداشت آنهاست. فرزندان خردسال و نوجوانان روستائیان برای گذراندن تحصیلات ابتدایی در بسیاری موارد معلم و امکانات نادرند و برای رفتن به مدرسه گاه مجبورند کیلومترها پیاپی ده روی کنند و برای تحصیلات متوسطه راهی شهرها شوند. این امر سبب می شود که بسیاری از کودکان و نوجوانان روستایی از تحصیل محروم شوند. همچنین حکام جمهوری اسلامی به دلیل تفکرات قرون وسطایی دختران روستایی را از تحصیل محروم کرده اند. وضع میلیونها نفر عشا پرنیمه کوچ روستاها "حتی یک معلم برای ۳۵۰۰ خانوار از عشا پرنیمه کوچ روستاها" تا این حد است. اطلاعات نوشت: بچه های خود ندارند. (۶۳/۹/۷) از اینگونه نمونه ها بسیارند.

وزیر نیرو چندی پیش اعلام کرد که: "ما در کل مملکت حدوداً بین ۶۵ تا ۷۰ هزار روستا داریم که ۱۵ هزار آن برق دارند" (روزنامه جمهوری اسلامی - ۶۳/۸/۱۹). معلوم نکرد که چه تعداد از این ۱۵ هزار روستا از قبل برق داشته اند؟ و جمهوری اسلامی پس از انقلاب چه کرده است؟ اگر این ارقام درست باشد، اکنون حدود ۸۰٪ روستاهای کشور ما فاقد برق هستند. رژیم نه تنها طی شش سال پس از انقلاب جز اقدامات موضعی و موقتی هیچ اقدامی جدی برای عمران روستاها و ایجاد شرایط مناسب جهت بهزیستی روستائیان انجام نداده است، بلکه سیاستهای ارتجاعی و ضد دهقانی خود آنچنان کلاف سردرگمی در روستاها بوجود آورده که حاصل آن ورشکستگی کشاورزی کشور و خانه خرابی میلیونها دهقان محروم از همه چیز است. چنین وضعی سبب آن شده است که میلیونها هموطن محروم ما خانه و کاشانه خود را رها کرده و راهی شهرها شوند و اقتصاد کشاورزی کشور وضع اسفناک تری یابد.

بازار برنج کشور در انحصار تجار بزرگ

پس از کشاکش طولانی بالاخره کلان تاجران موفق شدند طرح دولتی خرید برنج را ملغی کنند و کنترل بازار برنج را به دست گیرند. طبیعی است وقتی سیاست و عمل حکومت منافع کلان تاجران بازار را تا میسر می کند، حتی طرح کوچکی چون طرح برنج نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد.

نحوه واگذاری خرید برنج به تجار بزرگ و چگونگی جوسازی که در این جهت صورت گرفت، خود ما برای جالبی است. از اوایل سال ۶۳ این زمزمه که گویا طرح خرید و توزیع دولتی برنج "شکست" خورده است توسط بعضی از نمایندگان مجلس و محافل حکومتی بالا گرفت. و حمله تجار بزرگ به طرح خرید دولتی برنج تشدید شد. مسئولان حکومتی در گیلان بر اساس این رهنمودها به دست و پا افتادند و بمنظور بررسی مساله برنج در تابستان سال جاری در استان گیلان سمیناری ترتیب دادند. این سمینار پس از چند روز بحث سرانجام به این نتیجه رسید که مناسب ترین راه برای "سرو سامان" دادن به مساله برنج خرید محصول از دهقانان، هم توسط دولت و هم توسط بخش خصوصی است (کیهان - ۶۳/۵/۲۲). بحث پیرامون "مساله برنج" ادامه داشت تا اینکه خمینی با سخنان چهارم شهریور خود یکبار دیگر بر حمایت همه جانبه از کلان تاجران پرداخت. به دنبال این امر بازار برنج اعلام کردند که "امام تکلیف را معین کرده است". همچنین آیت اله منتظری در هفتم شهریور گفت: "یکی از وزراء به من گفت دولت در طرح برنج موفق نبوده و باید تجدید نظر کند" (کیهان - ۶۳/۶/۷). به دنبال این ماجرا، وزیر بازرگانی به استان گیلان مسافرت کرد و در جمع مسئولان و ائمه جمعه استان گفت: "امیدوارم در طرح پیشنهادی جدید (آزاد کردن خرید برنج) مساله کاهش واردات نیز در نظر گرفته

شود، در این طرح جدید دست اندرکاران قدیمی و بازرگانان برنج نقش عمده ای خواهند داشت" (کیهان - ۶۳/۶/۱۰). پس از آن در بیست و یکم شهریور ماه خرید برنج داخلی از تولیدکنندگان به بخش خصوصی واگذار گردید. و در پی آن رفسنجانی گفت: "من از اول با طرح قبلی مخالف بودم" (کیهان - ۶۳/۶/۲۶) و برای فریب مردم اظهار نظر کرد این کار به نفع "مستضعفین" است. (۱). هنوز چند صبحی از عمر آزاد شدن خرید برنج توسط تجار بزرگ بازار نگذشته بود که قیمتها به صورت وحشتناکی افزایش یافت. و فشار بر مصرف کنندگان زحمتکش فزونی گرفت. قیمت یک کیلو برنج درجه ۱ که دولت آنرا ۳۱ تومان نرخ گذاری کرده است تا چندین برابر قیمت تعیین شده به فروش می رسید. و هیچ "مستضعفی" قادر نبود حتی به برنج نزدیک شود. فریاد اعتراض زحمتکشان که دیگر بهیچ وجه قادر به تهیه برنج مصرفی خود نبودند، بلند شد.

شالیکا ران ما زندان نیز لیب به اعتراض گشودند، آنها مطهر سراج ساختند که دولت ما را به کشت برنج آمل ۲ و ۳ مجبور کرد و حال پس از آزاد شدن خرید برنج، تجار این برنجها را به دلیل "نا مرغوبی" نمی خریدند و دولت هم قیمت آنها را تعیین نکرده است، مسئول این نابسامانیها دولت است. به دنبال این اعتراضات استاندار ما زندان بسه تکاپو افتاد. دولت اعلام کرد مساله را مورد بررسی قرار خواهد داد ولی برای مردم معلوم نیست این بررسی کی تمام خواهد شد؟

مسئولان و دست اندرکاران از افزایش سرسام آور قیمت برنج و اعتراض مردم وحشت زده شده و بلافاصله سمینار مجددی در شهر رشت ترتیب دادند و به "بررسی" مساله پرداختند، احسان بخش امام جمعه رشت گفت: "با توجه به بالا رفتن ۳۰ الی ۴۰ درصد بر قیمت تعیین شده، برنج گیلان و خروج بی رویه آن، در این استان تولید شده و وحشت شده" (کیهان - ۶۳/۷/۲۸) و از شورای عالی قضایی و دیگر مقامات مملکتی خواست به این امر فوراً رسیدگی کنند. اما شورای عالی قضایی قبلاً در این مورد از خود سلب مسئولیت کرده بود. (۱).

تجار بزرگ برنج با چنان سرعتی برنج را از گیلان و ما زندان بیرون کشیدند و به انبارها ریختند که سرتجار متوسط برنج شهرهای گیلان و ما زندان هم بی کلاه ماند و اعتراض آنها هم بلند شد. بهمین دلیل نونیز وحشت از اعتراض مردم احسان بخش امام جمعه رشت مجدداً گفت: "در رابطه با مساله برنج... ما ائمه جمعه استان دیگر نمی توانیم موضوع را تایید کنیم. چون پایگاه مذهبی و انقلابی (۱) خود را از دست می دهیم." (نشریه کشاورز شماره ۵۸ مهر ۶۳) اکنون تجار بزرگ بازار برندگان اصلی ماجرای برنج، انبارها را در تهران و سایر شهرهای بزرگ انباشته اند و قیمتها را به اعتراف مسئولان حکومتی ظاهراً تا ۴۰٪ بالا برده اند.

سیاستها و اقدامات ارتجاعی سردمداران رژیم عامل اصلی چنین

وضعی است. دسترنج میلیونها دهقان زحمتکش و تولیدکننده خرد و میلیونها مصرف‌کننده بی چیز در چنین آشفته‌بازاری، توسط کلان تاجران محترکه تحت حمایت رهبران جمهوری اسلامی به چپاول مردم میهن مامشغولند، ربوده می‌شود. طرح برنج در این زمینه یک نمونه کوچک و یکی از "شاه" کارهای خمینی است.

مبارزه دهقانان علیه بازگشت بزرگ مالکان تشدید می‌شود

در قطعنامه پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان "درباره اوضاع سیاسی کشور، در حال حاضر" آمده است: "سیاست ارتجاعی و ضددهقانی هیات حاکمه به تشدید و رشکستگی اقتصاد کشور و مهاجرت توده ای دهقانان منجر شده، توده دهقانان علیه این وضع به اشکال مختلف در سراسر کشور مبارزه می‌کنند. سیاست هیات حاکمه دایر بر دفاع از بزرگ مالکان با مقاومت و اعتراض دهقانان روبروست. رژیم بسیاری از دهقانان را بخاطر مقاومت در برابر مالکان بزرگ به زندان افکنده است. مبارزه علیه بزرگ مالکی و بطور مشخص علیه بازگشت بزرگ مالکان به روستاها عمده‌ترین و حادثترین موضوع مبارزه دهقانان است."

اصلاحات ارضی این خواست مهم توده دهقانان و مساله اساسی انقلاب با رد قانون هفت بار آب کشیده مصوبه مجلس، توسط شورای نگهبان در سال ۶۱ و حمایت آیت‌الله خمینی از آن شورا متروک شد. بعد از آن نیز با صدور فرمان ۸ ماده ای زمینه قانونی بازگشت بزرگ مالکان به روستاها هموار گردید و تدریجا بزرگ مالکان تحت حمایت ارگانهای سرکوب رژیم به بازستاندن زمینهایی که دهقانان زحمتکش در جریان انقلاب و پس از آن از آنها مصادره کرده بودند و آنها بیکه هیاتهای هفت نفره در سال ۵۹ واگذار نموده بودند پرداختند.

در اواخر سال ۶۲ رژیم با تصویب ماده واحده مربوط به زمینهای موقوفه مالکیت دهقانان بر ملاک وقفی واگذار شده به دهقانان صاحب نسق را غیر "قانونی" اعلام کرد. طبق این تصمیم قرار بر این شد که "مجددا" با حفظ مصلحت وقف با "متصرفین" اجاره نامه تنظیم شود.

در اوایل سال ۶۳ نیز هیات دولت طی تصویب نامه‌ای تصمیم گرفت به داوطلبان سرمایه‌گذاری در کشاورزی، به مقدار دلخواه آنان زمین واگذار کند. حکومت در واقع با این اقدام زمینه مناسب را برای رشد زمین داری بزرگ بطور قاطعی فراهم نمود. این سیاستها و اقدامات ارتجاعی سبب گردیده است که بخش قابل ملاحظه‌ای از زمینهای ناچیز صادره شده و واگذار شده به دهقانان، به بزرگ مالکان باز گردد. یکی از اعضا ستاد مرکزی هیات واگذاری زمین در مصاحبه با کیهان (هفدهم شهریور ماه ۶۳) در پاسخ به سؤال خبرنگار کیهان می‌پرسد: "قسمت عمده اراضی که توسط هیات واگذاری زمین واگذار شده مانند اراضی کشت موقت ... یا در حال واگذاری به مالکین سابق می‌باشد" چنین پاسخ می‌دهد: "... ما می‌بینیم متأسفانه در بعضی جاها در دادگستریها با اینکه تصریح دارد و پرونده نشان می‌دهد که این زمین در سال ۵۸ و ۵۹ در دست زارعین قرار گرفته و الان هم در اختیار آنهاست ولی حکم به خلع ید، زندان، حکم شلاق می‌دهند و این مواردی است که ما روزانه با آن درگیر هستیم." خبرنگار همچنین می‌پرسد: "بعد از توقف بند (ج) و (د) آیا مواردی که اراضی کشت موقت به مالک سابق مسترد شده باشد وجود دارد؟" او پاسخ می‌دهد: "البته اگر منظورتان از سال ۵۹ به بعد باشد، بلکه در مواردی، دادگاهها حکم دادند و مالک هم سرزمین خود رفته و مشغول کار شده".

اخیراً یکی از نمایندگان در مجلس در این باره چنین اظهار داشت: "از مدت‌ها قبل برگشتن خانه و فکودالها و برگرداندن زمینها با حکم حتی برخی از مراجع صادره کننده قبلی به آنان و ارباب و تهدید و ضرب و جرح و حبس کشاورزان محروم و زحمتکش و هتک حرمت آن عزیزان در منظر حتی خانواده هاشان گزارش می‌شد." (اطلاعات چهارشنبه ۲۵ مهر ماه)

از اینگونه خود افساگرها، که خود مسئولین حکومتی ابعاد تهاجم بزرگ مالکان به روستاها را بر ملا می‌سازند، هر روز اتفاق می‌افتد. مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان و ارگانهای حامی آنها اکنون به مساله همه روزه بسیاری از روستاهای مناطق مختلف کشور تبدیل شده است و همچنانکه پلنوم سازمان مائوئیست کرده عرصه حاد مبارزه آنان را تشکیل می‌دهد. اعتراض دهقانان به دلیل عدم تامین ابتدایی ترین نیازهای تولیدی آنها نظیر وسایل کشت، کود، بذر، دام، سموم دفع آفات نباتی و حیوانی، قطعات یدکی ماشین آلات، سوخت و غیره نیز روز بروز گسترده تر می‌شود.

دهقانان که در گذشته عمده ترین پشت جبهه جنگ به حساب می‌آمدند و بطور عمده نیروی انسانی آنرا تامین می‌کردند، اکنون ناراضی خود را از سیاستهای جنگ افروزان و ارتجاعی رژیم هرچه بیشتر بر ملا می‌سازند و در بسیاری موارد از اعزام فرزندانشان به

جبهه ها خودداری می‌کنند. آنها در مقابل یورش ارگانهای سرکوب به روستا برای دستگیری مشمولین خدمت نظام، بطور جمعی مقاومت می‌نمایند. کشته شدن تعداد بیشماری از فرزندان دهقانان در جبهه‌ها، خشم و نفرت آنها را برانگیخته است. امروز صلح خواست مبرم دهقانان است ...

در جریان مبارزات دهقانان علیه بزرگ مالکین و برای اجرای اصلاحات ارضی، شوراها و دهقانی نقش موثری داشته‌اند. در این میان نقش شوراها و دهقانی ترکمن صحرا در مبارزات دهقانان منطقه قابل تاکید است. اکثر شوراها در این منطقه در سازماندهی مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان برای حفظ زمینهای صادره یعنی نقش فعالی داشته و دارند. ارتجاع بارها در ترکمن صحرا کوشید و عناصراً مردمی شوراها را تصفیه کند، ولی علیرغم فشار و ارباب، دهقانان در بسیاری از موارد برای چندمین بار به عضویت نمایندگان سابق خود در شوراها را دادند و از شوراها و مردمی خویش قاطعانه دفاع کردند. در جریان یورش همه جانبه ارتجاع به دستاوردهای انقلاب در روستاهای کشور، شوراها و مردمی همواره یکی از اماجهای اصلی بوده‌اند. بسیاری از اعضای شوراها و مردمی توده های دهقانی، دستگیر، زندانی و محکوم شدند. علیرغم این، اعضاء مبارز و با تجربه شوراها و دهقانی که طی این سالها رژیم به تصفیه آنها پرداخته است، افراد خوشنام و مورد اعتماد و احترام دهقانان زحمتکش در مرزها و پیشبرد مبارزات آنان و متحد ساختن و متشکل نمودن آنها، علیه بزرگ مالکان و حامیان نشان شرکتی موثر دارند.

امروز ایجاد تشکلهای دهقانی و قرار گرفتن نمایندگان متعهد و مبارز دهقانان در تشکلهای موجود و تصفیه آنها از عناصر ناباب و مامورین مرتجع حکومتی، به طریقی که این شوراها در خدمت سازماندهی و هدایت مبارزه دهقانان قرار گیرد، اهمیتی بیش از پیش یافته است.

مبارزه دهقانان، برای بدست آوردن و حفظ زمین و علیه بزرگ مالکان، برخلاف گذشته که هیاتهای هفت نفره و جهاد سازندگی در سازماندهی آن نقش داشتند، با اتکاء به تجربیات خودشان به پیش می‌رود. روندهای کنونی حضور فعال پیشرو انقلابی را می‌طلبد و زمینه را برای تاثیرگذاری بیشتر آن فراهم می‌سازد.

در چنین شرایطی فداییان خلق، بویژه فعالین مادر روستاها برای بردن برنامه و سیاست و شعارهای سازمان به میان دهقانان و فعالیت آگاهگرانه و سازماندهنده در روستاها کوشش هرچه بیشتری می‌کنند. فعالین مادر افشاء اقدامات سرکوبگرانه رژیم و حمایت آن از بزرگ مالکان و خیانت حکام جمهوری اسلامی به انقلاب و منافع و مصالح مردم، کوششهای هرچه موثرتری را پیش می‌برند. فداییان باید بیش از پیش اخبار مبارزات و موفقیت‌های دهقانان

زحمتکش را انتشار دهند و به گوش روستاییان سایر نقاط، زحمتکشان شهری و کارگران برسانند.

فداییان باید اعتراض روستاییان به ادامه جنگ را بیش از پیش برانگیزانند و منعکس کنند و در سازماندهی این اعتراضات هرچه کوشا تر باشند، به اشکال مختلف از این مبارزه حمایت کنند، باید سیاستهای ارتجاعی و جنگ افروزانه رژیم و ضایعات جبران ناپذیر جنگ به اقتصاد کشور بخصوص به کشاورزی و مردم روستاها را بیش از پیش افشاء و رسوا سازند.

در شرایط کنونی بویژه هرکجا که مساله زمین و مقابله با بازگشت بزرگ مالکان و مبارزه در راه قطع جنگ مطرح است، فعالین مادر روستاها وظیفه فوری برای سازماندهی و هدایت مبارزه دهقانان را برعهده دارند.

به نقل از کار - دوره دوم - سال اول، شماره ۱۰

آمار سخن می گوید:

حکام جمهوری اسلامی در خدمت بزرگ مالکان

در آخرین سالهای حکومت شاه: "۲۵ هزار خانوار بزرگ مالک حداقل ۳/۵ میلیون هکتار زمین قابل کشت در اختیار داشتند، مساحت کل اراضی آنها به ۲۱/۵ درصد از کل اراضی دایر ویا پرکشور بالغ بود، ۲۸ درصد از روستاییان ایران فاقد زمین بودند و ۵۴ درصد دیگر که به زراعت اشتغال داشتند، روی زمین ارباب کار می کردند، فقط ۱۸ درصد از روستاییان در حد ارتزاق بخور و نمیر خود مالک قطعه ای زمین بودند" (اطلاعات ۶۱/۱۰/۷).

۶ سال پس از سرنگونی شاه:

"از خرداد ماه سال ۱۳۵۹ که هیاتهای هفت نفره تشکیل شده تا کنون مجموعاً ۷۳۵ هزار هکتار زمین به زارعین واگذار شده است که ۵۰۰ هزار هکتار آن زمین موات بوده است". (ستاد مرکزی هیاتهای هفت نفره کیهان ۶۳/۵/۱۵) یعنی از ۳/۵ میلیون هکتار زمین بزرگ مالکان تنها ۲۳۵ هزار هکتار آن در اوایل انقلاب به دهقانان واگذار شده است که تاکنون مقادیر زیادی از آن بازپس گرفته شده است.

"۶۵/۲ درصد بهره برداران کشاورزی ما ... زیر ۵ هکتار زمین دارند" (وزیر جهاد اطلاعات ۶۳/۸/۳۰).

میزان زمینهای واگذاری پس از انقلاب به دهقانان ۷٪ کل زمینهای بزرگ مالکان بوده است که بخش قابل ملاحظه ای از آن تاکنون از آنها پس گرفته شده است. این در حالیست که ۶۵/۲ درصد بهره برداران کشاورزی زیر ۵ هکتار زمین دارند و قادر به تامین حداقل معاش خود نیستند.

سیاستهای ضد دهقانی رژیم اقتصادکشا ورزی کشور ما را به ناپودی
کشانده است. طی سالهای ۵۸ تا ۶۲ میزان واردات گندم حدود
۸ برابر و برنج ۲ برابر افزایش یافت، همین سطح زیرکشت
گندم در سال ۶۲ نسبت به سال قبل از آن ۱۳ درصد و برنج ۲۴/۵
درصد کاهش یافته است.

میزان واردات گندم و برنج (به هزار تن)
در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۶۲

| | | |
|------|------|------|
| | ۱۳۵۸ | ۱۳۶۲ |
| گندم | ۴۰۰ | ۳۱۵۰ |
| برنج | ۲۷۱ | ۷۵۰ |

ماء خذ کیهان ۶۳/۵/۲۳

میزان واردات گوشت و روغن نباتی (به هزار تن)
در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۶۲

| | | |
|------|------|------|
| | ۱۳۵۸ | ۱۳۶۲ |
| روغن | ۲۸۰ | ۴۰۰ |
| گوشت | - | ۲۴۰ |

ماء خذ کیهان ۶۳/۵/۲۳

درصد کاهش سطح زیرکشت محصولات عمده کشا ورزی
در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱

| | |
|-----------|------|
| گندم | ۱۳ |
| برنج | ۲۴/۵ |
| چقندر قند | ۱۵/۵ |
| توتون | ۱۶ |
| پیاز | ۲۳ |

ماء خذ کیهان ۶۳/۵/۲۳

۱- اعتراف مسئولان دوروزنا مه های حکومتی : بزرگ مالکان به روستاها باز میگردند .

- نماینده رودسر - "چهار سال بعد از انقلاب، با همدستی ارگانهای
انتظامی فئودالها به منطقه برمی گردند" (اطلاعات ۶۲/۷/۲۲)
- نماینده زرند کرمان - "مدتی است که بطور مرموزی از سوی
بعضی از قضات، با پرونده سازی اراضی را از دست کشا ورزان کسه
دهها سال روی زمین کار کرده اند، خارج و به عمده مالکین
برمی گردانند و در صورت امتناع اجرای حکم آنها زابه زبندان
می اندازند" (اطلاعات ۶۲/۹/۳۰)
- دوزدوزانی نماینده مجلس - "از مدت ها قبل برگشتن خانها
و فئودالها و برگرداندن زمینها با حکم حتی برخی از مراجع
مصادره کننده قبلی به آنان و ارباب و تهدید و ضرب و جرح و حبس
کشا ورزان محروم و زحمتکش و هتک حرمت آن عزیزان در منظر حقیقی
خانواده هایشان گزارش می شد." (اطلاعات - ۶۳/۷/۲۵)
- در بعضی مناطق جیرفت خانها بازگشته اند و این مردم منطقه را
نگران کرده است." (اطلاعات ۶۳/۹/۷)
در روستای ساغری (از توابع جیرفت) ۶۵ خانوار زندگی میکنند
اکثر مردم در زمینی که از سال ۱۳۵۴ به کشا ورزان واگذار شده
است به زراعت مشغولند، اما معلوم نیست به چه دلیل عده ای قصد
باز پس گرفتن اراضی را از کشا ورزان محروم دارند." (اطلاعات ۶۳/۹/۷)

حکام خائن جمهوری اسلامی

تولیدات دامی کشور را به ناپودی کشانده اند .

رئیس کمیسیون کشا ورزی مجلس - "در مورد تولیدات و فرآورده های
دامی هم متاسفانه روند همین شکل است (افت تولید) ضایعات
دامی ما خیلی بیشتر شده و باعث شده که واردات ما بشدت بالا
برود بطوریکه آمار نشان میدهد، ما حدود ۳۰ درصد ضایعات دامی
داریم . واردات کشور ما از نظر گوشت ۲۴۰ هزار تن است"
(اطلاعات ۶۳/۸/۲۱)
در سال ۶۱ جمعاً حدود ۱۷۱ هزار تن گوشت وارداتی از خارج
در سراسر کشور توزیع شده است" (اطلاعات ۶۳/۸/۲۷)

از سال ۶۱ تا کنون واردات گوشت کشور حدود ۷۰٪ افزایش یافته است

— رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس: "در سال ۱۳۵۳ معادل ۲۳۷ هزار تن پنبه خالص تولید شده است، در سال ۶۰ تولید پنبه حدود ۷۰ هزار تن بوده است" (اطلاعات ۶۳/۸/۲۱)
— استاندار مازندران "تا قبل از انقلاب ۱۸۰ هزار هکتار زمینی زیر کشت پنبه داشتیم که متأسفانه این مقدار بعد از انقلاب به ۵۰ هزار هکتار رسید" (اطلاعات ۶۲/۶/۲۱)

گزارشی از مبارزات و مطالبات دهقانان آذربایجان غربی

مبارزه دهقانان محروم علیه بازگشت بزرگ مالکان
هر روز گسترده تر میشود

حدود ۳۰۰ فئودالهای بزرگ منطقه که مبارزات دهقانان پس از انقلاب آنها را فراری داده بود، از اواسط سال ۶۲ با حمایت مسئولان حکومتی به منطقه بازگشته اند.

زمین یکی از عمده ترین مسائل دهقانان زحمتکش مناطق وسیعی از آذربایجان غربی است، درصد افرادی زمین و کم زمین در این استان بسیار بالاست. در بعضی از روستاها تا ۶۰ درصد زمینها در دست بزرگ مالکان است و بر سر آن بخش از زمینهای بزرگ مالکان که صادره شده اند اکنون بین دهقانان و مالکان درگیری است.

حدود یکصد و بیست هزار نفر از دهقانان مناطق کردنشین ارومیه که از ظلم و جور فئودالهای مسلح به تنگ آمده بودند، اکنون مدتهاست در اطراف ارومیه سکونت گزیده اند و وضع بسیار اسفناکی دارند. رژیم کوشش میکند آنها را به روستاهایشان بازگرداند ولی آنان زیر بار نمی روند و می گویند "اول باید تکلیف زمینها و خانها مشخص شود، بعد ما به روستاهای خود باز خواهیم گشت". حکومت با ایجاد محدودیتهایی نظیر ندادن آب و خواروبایا مکانات اولیه زندگی به این زحمتکشان آواره آنها را در تنگنا قرار داده است، اغلب این محرومین بیکارند و به سختی میتوانند لقمه نانی برای گذران زندگی خود و خانواده شان فراهم کنند. وضع بهداشت، درمان، آب آشامیدنی، حمام، مدرسه و سایر نیازهای ابتدائی آنها اسفناک است و هربیننده را متاثر میسازد.

سال ۶۲ و ۶۳، سال هجوم فئودالهای فراری از داخل و خارج کشور به آذربایجان غربی بود. در اثر اوجگیری مبارزه دهقانان پس از انقلاب نزدیک به ۳۰ بزرگ مالک از منطقه فراری شدند

و به نقاط گوناگون گریختند، بزرگ مالکانی نظیر " کرم‌هناره " و " جهانگیرخان دری " به ترکیه رفتند. خانواده " رشیدبیگ جهانگیری " و " عبدالله بیگ " و " احمدبیگ مندان " به عراق فرار کردند، عباسیها " و " بیک زاده‌ها " در تهران مخفی شدند. " حاجی سامی‌هناره " و چندتن از همقطاران دستگیر شدند و عده‌ای نظیر " عصمت‌دری "، " خالدبیگ هناره " و " امیرخان هناره " معدوم گشتند؛ از اواسط سال ۶۲ حکومت از طریق مباحران خانها برای آنها پیام فرستاد که میتوانند بر سرزمینهایشان بازگردند و مخفیانه بیین خانهای فراری و مسئولان قرار و مدارهایی را دوبدل شناسند. اول فتوای فراری از عراق برگشتند و مورد " احترا تیرام " آقایان " واقع شدند، بعد فراریان به ترکیه، بازگشتند. سپس بقیه از گوشه و کنار ایران روانه منطقه گردیدند. مقامات استان این جانبیان را گروه گروه برای زیارت به قم و مشهد اعزام کردند. در واقع تطهیرشان کردند. آنان بدون کوچکترین مجازاتی دوباره دفتز و دستک خود را انداختند و با احکام دادگاهها و همکازی ارگانهای سرکوب رژیم، تلاش برای بازپس گرفتن زمینهای صادره‌ای از دهقانان را آغاز نمودند. دهقانان زحمتکش که وضع را چنین دیدند جانانه به مقاومت برخاستند و هجوم خانها به همراه ارگانهای سرکوبگر رژیم را در روستاهای بسیاری خنثی کردند. در درگیری دهقانان با فتوایهای مسلحی که با " حکم " حکام شرع قصد بازپس‌گیری زمین‌ها را داشتند فتوایهای زیادی نظیر " فرزنده شریفی " و " پسرش "، " بشارامدی " و " سلطان بیک عباسی " توسط دهقانان گشته شدند.

در تابستان امسال فتوای معروف منطقه " حاجی سامی‌هناره " که بخاطر جنایات بیشمارش علیه دهقانان دستگیر و به زندان ابد محکوم شده بود، از زندان آزاد و اموال صادره شده او برگردانده شد. این امر خشم و نفرت دهقانان را بجاوانگیخت و آنان را بفرقه اعتراض واداشت. " جلیل زاده " دادستان انقلاب ارومیه در مقابل خشم و اعتراض مردم گفت " این شخص پرونده‌ای نداشته و یک عنمیده از پاسدارها با زور برایش پرونده سازی کرده‌اند " دهقانان زحمتکش که وضع را چنین دیدند به همراه نیروهای انقلابی و میهن پرست در منطقه مبارزات خود علیه بزرگ مالکان را شدت با زهم بیشتری دادند. دهقانان روستای " سین آباد " " بشیریها " را از روستا بیرون انداختند. دهقانان " گنگن "، " فرزنده جهانگیرخان دری " را که سر و کله‌اش در روستا پیدا شده بود، در حد مرگ کتک زدند و از روستا بیرون کردند. عده‌ای از دهقانان " ماوانه " و " کوران " که قبلاً عضو بسیج محلی بودند با مشاهده این وضع به صفوف حزب دموکرات کردستان پیوستند و به مبارزه علیه رژیم پرداختند. دهقانان روستاهای " تومتر " و " مرنجوق " در مقابل

فتوای معروف " علی‌خان مستشاری " که با حکم دادستانی بسا روستا آمده بود مقاومت کردند.

رژیم که وضع را چنین دید فشار بر دهقانان را افزایش داد و دهقانان را در روستاهای علی‌آباد، مبارک‌آباد از منطقه " باراند وزچای " و در روستاهای " ماوانه "، " دوبره "، " رولا " در منطقه " ترگور " برای بازگرداندن زمینهای صادره‌ای به بزرگ مالکان شدیداً زیر فشار قرار داد، دهقانان زحمتکش قاطعانه به مقاومت پرداختند. تلاش و توطئه‌های رژیم برای درهم شکستن مقاومت دهقانان روستاهای فوق همچنان ادامه دارد.

در روستای " تالین " در " ترگور " فتوای معروف " سلطان بیک " که با حکم دادگاه به روستا آمده بود و قصد بازپس‌گرفتن زمینهای صادره‌ای را داشت با مقاومت دهقانان مواجه شد و از روستا گریخت. در روستای " تلو " فرزندان " قلی بیک " که حکم دادستانی داشتند بدلیل مقاومت قهرمانانه دهقانان موفق به بازپس‌گرفتن زمینهای صادره‌ای نشدند. در منطقه " برادوست " فرزندان " حاجی سامی‌هناره " که زمینهای او بالغ بر هزار هکتار و در روستاهای " ایشکه سو "، " گوران آباد "، " قره‌آغاج " " قرنسه " و " خوش اولان " بود، با حمایت دادستانی انقلاب به روستاهای یاد شده بازگشتند و با مقاومت شدید دهقانان مواجه شدند. در روستای گنگین روستاییان جلوی اجرای حکم فرزندان " جهانگیرخان دری " را گرفته و ژاندارمها، سپاه و فتوایها را از روستا بیرون کردند و تاکنون هیچ ارگانی مجدداً هوس اجرای حکم حاکم شرع را در این روستا نکرده است.

دهقانان منطقه در روستاهای گوناگون به شیوه‌های مختلف در مقابل بزرگ مالکان و ارگانهای سرکوبگر رژیم ایستاده و نقشه‌های آنان را نقش بر آب ساختند. فدائیان خلق و سایر نیروهای مترقی نقش قابل ملاحظه‌ای در مبارزات دهقانان منطقه ایفا کردند و در آگاهی و سمت‌دهی مبارزات آنان از هیچ کوششی فروگذار ننمودند.

هم اکنون مبارزات دهقانان زحمتکش آذربایجان غربی علیه بزرگ مالکان ادامه دارد. اتحاد و مبارزه دهقانان در روستاهای مختلف، مانع از آن گردیده است که خانها و ارگانهای حامی آنها به آسانی قادر به اجرای احکام ارتجاعی حکام شرع شوند و دوباره بساط غارت و چپاول دسترنج روستائیان محروم را بگسترانند.

وضع شوراها و روستائی در آذربایجان

شوراهای روستایی که در سال ۶۱ انتخاب شده بودند، هرکجا که

به حمایت همه جانبه از دهقانان و مقابله با بزرگ مالکسان پرداختند، زیر فشار قرار گرفتند، تصفیه شدند و بجای نمایندگان دهقانان افراد مورد اعتماد و اطمینان حکومت در آنها گمارده شدند. بعنوان نمونه در روستاهای "گل تپه" و "ماوانه" اعضاء مترقی و مورد اعتماد شورا که به دهقانان در مبارزه علیه فئودالها یاری می رسانند از شورا برکنار شدند. اعضاء شورای روستای "آواره نشین" در حومه ارومیه که سازمانده حرکات ضد فئودالی و راهپیمایی دهقانان علیه بزرگ مالکان بودند نیز برکنار گردیدند و مهرشورای روستا از آنها گرفته شد. ما موران حکومتی حتی بعنوان جریمه آب آشامیدنی روستا را قطع کردند. جهاد کوشید شورایی فرمایشی را به مردم تحمیل نماید ولی با مقاومت دهقانان مواجه شده و موفق به انجام این کار نشد. ارگانهای حکومتی بسیاری از عناصر مردمی شوراها را به بهانه اینکه "مورد تایید ارگانهای اطلاعاتی نیستند" یا "مورد تایید انجمن سلامی ده نیستند" یا "مکتبی نیستند، خود سرانه برکناری کنند و این امر معمولاً اعتراض دهقانان را برمی انگیزد، رژیم در باره ای از روستاها کوشش می کند شوراها را دهقانی را به مجریان بی اراده اقدامات ضد مردمی خویش مبدل سازد و وظایف کدخداهای سابق را به آنها واگذار نماید. در تابستان امسال رژیم بسیاری از شوراها را مجبور ساخت که مشمولین فراری را معرفی نمایند و بسیاری از شوراها را دهقانی را که از این عمل سرباز زدند مورد مواخذه قرار داد. با اینهمه شوراها را که در دست دهقانان قرار دارند، همچنان فعالیت میکنند. در روستای "باراندوزچای" شورای روستا، مردم را علیه تصمیم دادگاه انقلاب منطقه کوه حکم به برگرداندن زمینهای یکی از واحدهای مشاع به فئودال روستا را داده بود، بسیج و متشکل ساخت و جلوی این اقدام را گرفت. در روستای "تلو" در "ترگور" شورای ده به همراه مردم به مقابله با فئودالها که همراه ارگانهای حکومتی برای تصاحب زمینهای صادره ای به روستا مراجعه کرده بودند، پرداختند. اعضاء شورا پس از عدم موفقیت در جلوگیری از اجرای حکم، دستجمعی استعفاء نمودند.

گاه گاهی افراد شوراها از طرف جهاد و بخشدارها برای تشکیل "سمینار" دعوت میشوند. در این سمینارها معمولاً یکی دو مأمور در رابطه با جنگ و گروههای سیاسی سخن پراکنی میکنند و بخشدار و یا نماینده جهاد هم حرفهایی از این دست می زنند. بعد با یک قطعننامه از پیش تنظیم شده که معمولاً در همه جا کلیشه‌ای و یکنواخت است و در ردیف اول آن جنگ و در ردیف دوم آن مبارزه با باصلاح کفر و الحاد و... جای دارد و کوچکترین اشاره‌ای به خواستها و مشکلات دهقانان و مسائل دهقانی در آن نیست. مسأله فیصله می یابد. مدتهاست که دیگر شوراها را دهقانی به این

سمینارها که برای تبلیغ سیاستهای حکومت تشکیل میشود و ربطی به مسائل مردم روستا ندارد، شرکت نمی کنند. در سمیناری که بهمین منظور در بهار امسال در منطقه تشکیل گردید، نمایندگان شوراهای دهقانی روستاهای "انبی"، "زیوه"، "دیج" واقع در بخش "سیلوانا" قطعنامه جداگانه‌ای که خواستهای روستائیان نظیر زمین، و سایل کشاورزی، مدرسه، راه، آب، حمام و غیره در آن طرح شده بود را خود مستقلاً تنظیم کردند و موفق شدند آنرا به امضای ۱۵ شورای دهقانی دیگر نیز برسانند.

اعتراض دهقانان آذربایجان به عدم تامین امکانات تولیدی و قیمت خرید محصولات گسترش می یابد

کمبود ماشین آلات کشاورزی و قطعات یدکی یکی از مشکلات روستائیان منطقه است. دولت هیچ اقدامی در رفع این کمبود نمی کند. برای گرفتن یک تراکتور شراکتی، دهقانان ماهها و گاه سالها زیر ذره بین قرار می گیرند، امتحان ایدئولوژی میدهند و دست آخر در صورتی موفق خواهند شد که یا شهید و یا معلولی داده باشند و یا به تقاضاهای گوناگون حکومتیان تمکین کنند. در غیر این صورت باید مبالغ هنگفتی به این و آن رشوه دهند. تازه پس از گذراندن هفت خان رستم تراکتور لخت به آنها تحویل میشود و باید دیسک و سایر وسایل را از بازار سیاه تهیه کنند. بدین ترتیب دهقانان کم زمین به هیچ وجه قادر نیستند به ماشین آلات کشاورزی دست یابند. نتیجه سیاست ضد دهقانی دولت این شده که اکنون در منطقه فقط فئودالها هستند که از این این امکانات به طریق "احسن" استفاده میکنند. در حالیکه دهقانان محروم برای کشت یک هکتار زمین در منطقه مجبورند تا ۴ هزار تومان و برای هر هکتار زمین تا چهار هزار تومان پرداخت کنند.

همچنین کمبود بذر و سموم دفع آفات، ضررهای جبران ناپذیری به دهقانان محروم وارد می سازد و عملکرد در هکتار بسیاری از محصولات آنرا را به میزان قابل ملاحظه‌ای پایین می آورد. این امر در بسیاری از روستاهای منطقه خشم و اعتراض دهقانان را برانگیخته است. دهقانان روستاهای گوناگون همه روزه با ارگانهای حکومتی در این مورد درگیرند و به طرق گوناگون اعتراض می کنند. در مورد فروش محصولات نیز مشکلات کمتری نیست. میوه‌های سردرختی کلاً از طرف دلالتها گاه به یک دهم قیمت فروش پیش خرید میشود. بعنوان مثال امسال دلالتها حتی حاضر نبودند

سیب درجه یک را روی درخت به قیمت کیلویی ۲۰ ریال که بهیچ وجه حتی هزینه آنرا تامین نمی کند، بخرند. امسال نرخ گندم توسط دولت در منطقه ۴۰ ریال تعیین شده بود، این امر باعث اعتراض شدید دهقانان زحمتکش شد، آنها با چنین قیمت فروش بهیچ وجه قادر به تامین هزینه های کاشت و داشت و برداشت خود نبودند. زیرا اگر برداشت محصول گندم از هر هکتار زمین را ۲ تن فرض کنیم (که بهیچ وجه نیست) کل فروش دهقانان از یک هکتار زمین ۸ هزار تومان خواهد بود، در صورتیکه دهقانان مجبورند برای کشت یک هکتار زمین ۲ هزار تومان صرف خرید بذر کرده و ۳ هزار تومان برای کشت و چهار هزار تومان برای دروی محصول هزینه کنند. حمل محصول و خرمن کوبی آن هم دست کم هزار تومان هزینه برمی دارد. اگر هزینه آبیاری و کار دهقانان و خانواده اش را هم حساب بکنیم، دست آخر ۲ هزار تومان هم ضرر خواهد داد.

این در شرایطی است که هرگونی آرد توسط دولت به مبلغ ۵۶۰ تومان به مردم روستاها فروخته میشود (البته در صورتیکه گیر بیاید) و قیمت هر کیلو آرد حدود ۷ تومان است. با چنین وضع اسفناکی دهقانان محروم چه کنند؟ آیا با چنین اوضاعی که رژیم در روستاها ایجاد کرده است دیگر رغبتی برای ماندن دهقانان زحمتکش در روستاها و اشغال آنها به زراعت وجود دارد؟ وضع روستاییان زحمتکش آذربایجان یک سند زنده در محکومیت رهبانان جمهوری اسلامی و سند زنده ای از جنایات و خیانت های آیت الله خمینی و یاران اوست.

دهقانان در برابر حکم حکام شرع و در برابر پاسدار و ژاندارم از خود مقاومت دلیرانه نشان می دهند. رژیم هرگز موفق نشده و نخواهد شد به سادگی زمین را از چنگ ماحبان واقعی آن درآورد و به فئودالها بپردازد.

از گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهماه کمیته مرکزی سازمان

گزارشی از طالقان:

دهقانان به جنگ طلبی حکام جمهوری اسلامی اعتراض می کنند

همزمان با پایان یافتن فصل درو، عوامل رژیم با بوق و کرنا به روستاهای طالقان سرازیدند تا با ردیگر حاصل و دسترنج ناچیز دهقانان را به غارت برند و به کام ازدهای جنگ بریزند. روستاییان که از این وضع خسته شده اند، در اکثر روستاهای منطقه نسبت به تبلیغات عوامل رژیم بی تفاوتی نشان می دهند و آنان را در جمع آوری "کمکهای مردمی" برای جبهه ها ناکام می گذارند. گزارش زیرکمه از روستای "آرموت" طالقان تهیه شده است تصویرگویی از تلاشهای رژیم برای این منظور و اعتراض و مقاومت دهقانان در برابر آن است.

روستای آرموت - روز هفتم ماه محرم امسال انجمن اسلامی با پخش نوارهای مذهبی در مسجد تلاش می کند که مردم را به خود جلب کند. بلندگوی انجمن هر چند دقیقه یک بار می گفت: "جنگ موهبت الهی است و عزت و شرف ما در جنگ است" امام خمینی... اهالی با خدای "آرموت" برای پیروزی رزمندگان اسلام، برای شکست صدام کافر و برای فتح کربلا کمکهای نقدی و جنسی خود را به مسجد بیاورید. "انجمن سلامتی" آن روز تا غروب این "تقاضا" را دهها بار تکرار کرد اما از کمک روستاییان به جبهه خبری نبود.

دهقانی می گفت: "اینها ما را خسته کرده اند، هر هفته و هر ماه این بازی را درمی آورند، حال اشتیدن که ما دروداشتیم... ولی مثلاً اینکه کوژن و نمی بینن که ما چه وضعی داریم. یکی باید برای ما بیچاره ها که هشتمون گروهی نهمونه کمک جمع کنه، خجالت هم خوب چیزیه. یکی دیگر از اهالی که زن مسنی بود گفت: "اگر اینها امروز چیزی جمع نکنن فردا به جرم بی خدایی و کفر و غیره خیلی از سهمیه ها قطع می شه و آزرار و اذیت شروع می شه". بالاخره چند نفر از اعضای جهاد بخش "شهرک"

(مرکز طالقان) با بلند گوبه کوچه های آرموت ریختند و گفتند: "پیغمبر ما فرموده هر کس به اندازه یک سربوزن به رزمندگان اسلام کمک کند از آتش جهنم نجات خواهد یافت، هر چه دارید بدهید، بزرگوسفند، میوه تازه و... بدهید تا امام از شما راضی باشد...". از بعد از ظهر همان روز تا شب تقاضاها همینطور ادامه پیدا کرد اما هیچکس هیچ چیز نداد. روز بعد ما چرا داد ما پیدا کرد. و بلندگو همچنان مردم را برای کمک به جنگ فرا می خواند، خلاصه ساعت یک بعد از ظهر آن روز طاقت حزب الهی ها تمام شده، اعلام کردند: "اهاالی آرموت شما در منزلها ییتان باشید" برادران برای جمع آوری کمکهای نقدی و جنسی شما به در خانه های ییتان می آیند." دیری نگذشت که تعدادی از انجمنی ها با فرقون به کوچه ها ریختند و درها را کوبیدند، بعضی از مردم در خانه هایشان را بسته بودند و جواب نمی دادند، بعضی ها بیرون رفته بودند. انجمنی ها در خانه یک پیرمرد را زدند و طلب کمک کردند، او گفت: "ای بابا پیا پیا عید نگاه کنید اگر در تمام خون من چیز به درد خوری پیدا کردید بیدیدیدید." انجمنی ها می گویند هر چه داری بده، پیرمرد هم چند گردو از جیبش بیرون می آورد و به آنها می دهد. از این نوع ما چراها زیاد اتفاق می افتد، در بعضی از خانه ها مردم آنها را مسخره می کنند و در اکثر خانه ها دهقانان از آنها سؤال می کنند که این جنگ را کی تمام می کنید؟ و خلاصه "حزب الهی ها" دست از یاد را ز تر با فرقونهای خالی بر می گردند و برای انتقامجویی به نوشتن اسامی خانواده ها مشغول می شوند.

گزارشی از مشکین شهر:

روستایان: "این امام زاده معجزه ای نمی کند"

روستایان روستای نیا زقلی با مبارزه متحد خود توانستند زمین خود را که حدود ۲۵ هکتار بود توسط حسین آقا خان نصرتی و حاجیداله خان نصرتی و سیاب خان نصرتی در دوران رژیم شاه غصب شده بود، مصادره کرده و در اختیار خود بگیرند.

اهاالی زحمتکش این روستا پس از انقلاب با اتحاد خود مانع از کشت زمین توسط بزرگ مالکان شدند. آنها تصمیم داشتند از طریق شکایت به اصطلاح دادگاههای انقلاب و سایر مراجع قانونی خواست خود را مبنی بر بازپس گرفتن اراضی مزبور تعقیب نمایند، اما در عمل و به تجربه دریا فتنده که با ید به خود متکی باشند.

آنها می گویند: "این امام زاده معجزه ای نمی کند". سرانجام پس از مدت ها انتظار با خیانت رهبران جمهوری اسلامی به انقلاب و مردم بزرگ مالکان مزبور با حکم حکام شرع برای کاشت زمینهای غصبی خود مخفیانه در هنگام شب به سرزمینها آمدند. آنها با حمایت پاسگاه ژاندارمری صلوات تعداد زیادی تراکتور جمع آوری کرده و شبانه اقدام به کاشت زمین می کنند تا روستایان را در برابر عملی انجام شده قرار دهند. اما اهاالی نیا زقلی کندی مطلع شده، شبانه با داس و چوب و فلاخن... به محل مزبور حمله می کنند، به دستور رییس پاسگاه سربازان به طرف اهاالی تیراندازی می کنند اما روستایان خشمگین ذره ای عقب نشینی نکرده و مصمم ترپیش می روند، در نتیجه رییس پاسگاه و فئودالها با دستپاچگی مجبور به فرار می شوند. دهقانان پیروزمندان تمام بذرها را مصادره کرده و شبانه به ده بازمی گردند. به دنبال این حادثه تعدادی از عناصر مبارزان روستا دستگیر شده و حکم بازداشت آنها توسط دادگاه انقلاب مشکین شهر صادر می شود. اما روستایان با مبارزه

متحد خود، دادگاه انقلاب را مجبور به آزاد کردن بازداشت شدگان می‌کنند. و بلافاصله به کشت زمین خود اقدام می‌کنند. فغودالهای نامبرده که از حمایت جمهوری اسلامی برخوردارند، بیگانه رننشسته اند و در صد فرصت مناسب هستند که مجدداً با کمک ارگانهای سرکوبگر رژیم، آب رفته را به جوی بازگردانند. دهقانان زحمتکش نیز زمین را کاشته اند و تصمیم گرفته اند که در مقابل هرگونه تعرض قاطعانه با ایستند و جواب بدهند. دندان شکن به بزرگ مالکان و جا میان آنها بدهند.

گزارشی از مبارزات صیادان شمال:

صیادان بندرانزلی: "ما هر روز به این نتیجه می‌رسیم که بیشتر با یید خودمان به فکر خودمان باشیم"

مبارزه صیادان زحمتکش شمال برای تحقق خواسته‌هایشان، طی ماههای اخیر گسترش بیشتری یافت. صیادان آزاد در بندرانزلی، کیا شهر و بندر ترکمن و بسیاری از نقاط دیگر کرانه دریای خزر، نسبت به گرانی روز افزون وسایل صید، نداشتن هیچگونه تا میمن اجتماعی و بیکاری درشش ماه از سال، محدودیت‌های بی‌موردی که توسط شیلات و "گارد ساحلی" در کار آنها ایجاد می‌شود، بی‌برنامگی شیلات و عدم اجرای تعهداتش نسبت به صیادان و چپاول دسترنجشان توسط دلالان ماهی، اعتراض و راهپیمایی کردند. نمونه‌های زیر گوشه‌ای از مبارزات صیادان را نشان می‌دهد:

بندرانزلی - مدت‌هاست که شیلات شمال وسایل صید و سایر نیازهای صیادان را در اختیار آنها قرار نداده است. این در حالی است که قیمت وسایل صید نسبت به سال گذشته افزایش زیادی یافته است. مثلاً قیمت هر دام ماهیگیری در سال گذشته ۵۰۰ تا ۷۰۰ تومان بنسود، ولی امسال حدوداً بین ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ تومان شده است. با توجه به اینکه در سال گذشته به دلیل کاشکنی‌های شیلات وضع صید چندان مناسب نبود، صیادان انزلی بنیه مالی آنرا نداشتند و وسایل صید را که طبق قرار قبلی باید شیلات در اختیار آنها قرار دهد، خودشان تهیه کنند. تا خیر شیلات در دادن وسایل صید به صیادان، بسیاری از آنها را مجبور کرد تا با گرو گذاشتن و فروش وسایل ضرورت زندگی خود به هیهای سال قبل "سماکان" بزرگ انزلی ورشت را بپردازند تا بتوانند با ردیگر از این زالوها وسایل صید گراه کنند. صیادان با مراجعات مکرر به شیلات نسبت به این وضع اعتراض کردند و مقامات استان را در جریان گذاشتند، ولی نتیجه‌ای عایدشان نشد. صیادان می‌گویند:

این دامها را چندبرابر قیمت اصلی از بازار آزاد در رشت تهیه کرده ایم . ما با این وضع بهیچ وجه حاضر نیستیم ماهی صید شده را به شیلات تحویل دهیم .

"شیلات فقط برای ما درد سردرست می کند و قانونهای من در آوردی وضع می کند و جلوی کار روزندگی ما را می گیرد، دولت هم که فکر زحمتکشان نیست خودشان هم که عرضه صید درست و حسابی را ندارند، ما هر روز به این نتیجه می رسیم که بیشتر باید خودمان به فکر خودمان باشیم و با اتحاد کارها را پیش ببریم و به شیلات و عوامل گوناگون آن کاری نداشته باشیم ."

راهپیمایی اعتراضی صیادان فصلی کیا شهر

کیا شهر - در تاریخ آبان امسال صیادان فصلی کیا شهر بطور جمعی در شهر به راهپیمایی پرداخته و سرانجام در مقابل شیلات تجمع کردند . صیادان به شیلات اعتراض نموده و خواهان روشن شدن وضع بیکاری شش ماهه خود در هر سال شدند . آنان می گویند ما در این مدت به صید ماهی غیرغضروفی می پردازیم و کسی هم نمی تواند جلوی ما را بگیرد، ما با شش ماه کار در هر سال آنهم با اینهمه مشکلات که شیلات وارگانهای سرکوب رژیم فراهم می کنند، و با این قیمت های سرسام آور چگونگی می توانیم حداقل معاش خانواده مان را تامین کنیم، اعتراض صیادان فصلی کیا شهر همچنان ادامه دارد .

صیادان آزاد کیا شهر از تحویل ماهیهای صید شده به شیلات خودداری می کنند

کیا شهر - درگیری بین "گارد ساحلی" و صیادان دارای کارت صید همچنان ادامه دارد، آنها به محدودیتهایی که شیلات هر روز در کار آنان بوجود می آورد، اعتراض نموده و حاضر به رعایت چنین ضوابطی که صیادان را محدود می سازد، ولی با دریافت رشوه های کلان اجازه صید به سرمایه داران و "سماکان" می دهند، نیستند. صیادان مزبور می گویند: "شیلات هر روز یک بهانه می تراشد و مزاحم کار ما صیادان کوچک و بزرگ زندگی مان از راه صید چند ماهی می گذرد، می شود چند روز پیش می گفت که هر قایق باید ۴ صیاد داشته باشد، حالامطرح می کند که صیادان دامهای خود را باید در فاصله ۳۰۰ متری ساحل پهن کنند، "گارد حراست" با قایقهای دام جمع کن خود ما را دچار ضررهای فراوان می کند، در صورتیکه شیلات خودش به ما، دام نداد و ما

خبرهایی از روستاهای میهنمان

مبارزه دهقانان علیه بازرگت بزرگ مالکان

باختران - صحنه - در روستای "آب باریک شمالی"، دهقانان بی زمین و کم زمین روستا، در مقابل استرداد زمینهای مصادره‌ای که مدتی است بر روی آن کار می‌کنند، به مالک قبلی، به مقاومت پرداختند. دهقانان بطور جمعی جلوی بازرگت بزرگ مالک "حکم" دار را گرفته و اعلام داشتند: "اگر مالک فراری بازگردد، ماهمه محصول را آتش می‌زنیم". سپاه برای بازپس گرفتن زمینها به روستا حمله ور شد. روستاییان جانانه به مقابله و مقاومت پرداختند. ولی افشاران دو اوزه نفر از دهقانان بی زمین را دستگیر نمودند و به زندان انداختند، در زمانیکه دهقانان مبارز در زندان به سر می‌بردند سپاه "حکم" بزرگ مالک را به اجراء آورد.

گردد به دنبال اقدام جمعی دهقانان زحمتکش منطقه - ثلاث با باخانی" به کشت زمینهای یکی از مالکین بزرگ منطقه - به نام "امیر احتشامی" ارگانهای سرکوب رژیم به حمایت از بزرگ مالک پرداخته و با دهقانان زحمتکش درگیر شدند. دهقانان بهیچ وجه حاضر نبودند زمینها را پس دهند و اجازه دهند "احتشامی" دیگر بار به غارت روستاییان بپردازد. ارگانهای سرکوب رژیم، اقدام به دستگیری ۱۲۰ نفر از دهقانان مبارز و مقاومت کردند. ولی پس از مدتی به دلیل اعتراض اهالی مجبور شدند روستاییان را آزاد سازند. ارگانهای حکومتی قبل از آزادی روستاییان از آنها تعهد کتبی گرفته که به کار رفودالهای منطقه کاری نداشته باشند.

گردد دادگاه انقلاب اسلام آباد غرب بر اساس حکمی زمینهای مصادره‌ای "شازده خانم احتشامی" در منطقه "گاسور" را به او برگرداند. طی اجرای حکم مجبوردهقانان دست به مقاومت زدند و جلوی اجرای حکم "را گرفته، ولی ارگانهای حکومتی با تهدید آنها را

مجبور به ترک زمین مالک کردند.

هشتپیر - به حکم حاکم شرع دادگاه بندرانزلی، "قتیل زاده" فرمانده گروهان ژاندارمری هشتپیر ما مورشد از بازرگت بزرگ مالک فراری به منطقه حمایت کند. او که در این مورد اختیار تام گرفته بود، با ارباب و تهدید روستاییان حومه هشتپیر را مجبور ساخت که با خسرو خان یگانگی بزرگ مالک فراری که مدتها در زندان بود، بر سر زمینهای مصادره‌ای به مذاکره بنشینند. وی همچنین تعدادی از دهقانان را که زمینهای یکی از مالکان فراری را مصادره کرده بودند به شلاق محکوم کرد، ولی اعتراض مردم مانع از اجرای این حکم شد. "قتیل زاده" با همکاری حاکم شرع و دیگر ارگانهای حکومتی، در تمام منطقه هشتپیر به آزار و اذیت و ارباب دهقانان زحمتکش می‌پرداد و زمینها را برای بازرگت بزرگ مالکان به منطقه فراهم می‌نماید.

مغان - حاج حسنقلی فئودال بزرگ منطقه مغان پیش از انقلاب در روستای "پولادلو قیوسی" ۸۰۰ هکتار زمین کشتا و رزی در اختیار داشت. او با استفاده از نفودی که در ارگانهای دولتی داشت، این اراضی را با جبر و تهدید از دست دهقانان صاحب نسق این روستا بیرون آورد و به

پس از انقلاب، دهقانان با ردیگر زمینهای خود را پس گرفتند. به این ترتیب ۱۵۳ خانوار روستایی صاحب زمین شدند. اما در سال جاری حاج حسنقلی با استناد به فرمان هشت ماده‌ای، حکم استرداد این زمینها را از دادگاه انقلاب مشکین شهر دریافت نمود. روستاییان دست به مقاومت زده و حاضر نشدند این زمینها را از دست بدهند. حاج حسنقلی از ژاندارمری خواست تا مداخله نماید. نیروهای ژاندارمری وارد روستا شده و با درهم شکستن مقاومت دهقانان آنان را از زمینهایشان بیرون کردند. حاج حسنقلی با ردیگر همه آن ۸۰۰ هکتار زمین را در اختیار گرفت.

مغان - پیش از انقلاب، ۱۵۵ هکتار اراضی زراعی قشلاق "قهرمان" در اختیار سرهنگ پاکروان قرار داشت. انقلاب، سرهنگ ضدا انقلابی را فراری داد. دهقانان در صدمه مصادره این اراضی برآمدند اما خیلی زود سروکله شخصی پیدا شد به نام حاج گوشا رجھانی، حاج آقامدغسی زمینهای سرهنگ شد و حکمی هم از علم الهدی، نماینده اردبیل در مجلس به همراه داشت. او در آغاز موفق شد این زمینها را تصرف کند. دهقانان "قهرمان" به مبارزه خود ادامه دادند و بالاخره موفق شدند حاج آقارا هم بیرون برانند. زمینها میان ۲۰ خانوار بی زمین تقسیم شده و به زیرکشت رفت.

اما چندی قبل با ردیگر حاج آقابه قشلاق آمد و با استناد به فرمان هشت ماده‌ای ادعاهای خود را از سر گرفت. وقتی با مقاومت دهقانان

روبروشد به حیدری دادستان مغان مراجعه کرد. حیدری حکمی صادر کرد که طبق آن دهقانان موظف شدند اراضی خود را به این حاج آقا طماع واگذار کنند. اما دهقانان حاضر نشدند حکم دادستان را بپذیرند و با یکپارچگی زمینهایشان را حفظ کردند. کشاکش روستاییان با حاج آقا و مسئولین منطقه، همچنان ادامه دارد.

مغان - فرض اله بگ یکی از بزرگترین فئودالهای منطقه مغان بود. سطح زمینهای او و فرهادبگ، یکی دیگر از فئودالهای این منطقه، مجموعاً به ۳۵۰۰ هکتار می رسید.

این زمینها در پیله سوار و اطراف آن و روستای خانباکندی واقع شده بود. پس از فوت فرض اله بگ اراضی پهنا و تحت اختیارش، میان سه فرزندش تقسیم شد. در پی پیروزی انقلاب، قسمت اعظم این زمینها را دهقانان مصادره و میان خود تقسیم کردند. اما اخیراً این فئودالها با حکمی از دفتر امام به منطقه بازگشتند، همه آن اراضی و دیگر املاک و اموال پیشین را از دهقانان مطالبه کردند. طبعاً دهقانان دست به مقاومت زدند. برای درهم شکستن مقاومت دهقانان، سپاه پاسداران پیله سوار و پاسگاه جعفرآباد به روستاها ریخته و با خشونت آنها را سرکوب کردند. آنها توانستند غالباً این اراضی را از دست دهقانان بدر آورده و به فئودالها برگردانند.

پس از انقلاب علاوه بر مصادره اراضی، گلههای احشام این فئودالها نیز مصادره و میان چوپانهای فقیر تقسیم شده بود. اما طبق حکم دفتر امام، این گلهها نیز همراه با اراضی می بایست به این فئودالها بازگردانده می شد. در اینجا نیز نفرات سپاه وارد میدان شده، مقاومت چوپانها را به زور سرنیزه درهم شکسته و همه گلهها را در اختیار فئودالها گذاشتند. علاوه بر این، این چوپانها را به کلی از چراگاههای بیلاقی بیرون رانده و چراگاه را نیز به فئودالها سپردند.

قره داغ - در روستای "قولان" در منطقه قره داغ، پیش از انقلاب دوتن از خوانین به نامهای خیراله خان و عزیزاله خان صاحب اراضی پهناوری بودند. اراضی آنها را دهقانان مصادره کرده و خود به زیر کشت بردند. به مانند همه جای دیگر، در این روستا نیز در سال جاری سرو کله این فئودالها بار دیگر پیدا شد. آنها حکم استرداد زمینهای سابق خود را در دست داشتند که توسط دادستان انقلاب اهرامضاء شده بود. اما دهقانان روستای قولان سرسختانه ایستادگی کرده و به هیچ قیمت حاضر نشدند زمینهایشان را از دست بدهند. همه تشبثات این فئودالها تاکنون بی نتیجه مانده است. دهقانان با دلیری به مقاومت ادامه می دهند.

قره داغ - یکی دیگر از فئودالهای بزرگ منطقه قره داغ "اسداله

خان محمدخانلو" نام دارد. این فئودال در رژیم پیشین نماینده مجلس بود و پس از انقلاب دیگر نمی توانست در منطقه بماند و متوازی شد. زمینهای او را دهقانان مصادره و به صورت مشاع به زیر کشت بردند. گلههای احشام او توسط جهاد سازندگی به کشت و صنعت مغان سپرده شد. اما چندی قبل حکم استرداد املاک و اموال او به نام دوفرززندش صادر شد و آنها اقداماتشان را برای تصاحب مجدد آنها آغاز کردند.

اسداله خان خود هنوز جرات ندارد وارد منطقه شود و از همان تهران برای اقدامات فرزندانش نظارت دارد. با مقاومت دهقانان استرداد اراضی هنوز عملی نشده ولی کار تحویل احشام از کشت و صنعت مرا حل پایانی خود را طی می کند.

مقاومت روستاییان در مقابل اعزام فرزندانشان به جبههها

پارس آباد مغان - طی ماههای اخیر سپاه پاسداران "پارس آباد" برای اعزام نیروهای هسته های مقاومت روستایی به جبههها بسته تعدادی از روستاهای منطقه مراجعه می کند. سپاه از آنها درخواست می نماید که برای اعزام به جبههها آمادگی خود را اعلام دارند، ولی هیچیک از اعضای هستهها حاضر نمی شوند به جبهه های جنگ بروند. به دنبال این مساله یکصد تن از اعضای هسته های مقاومت مورد بحث برای بازجویی و بازخواست به سپاه دعوت می شوند. آنها را به اتهام مخالفت با جنگ مورد مواخذه قرار می دهند. علیرغم این اقدام هیچکدام از آنها داوطلب رفتن به جبهه نمی شوند.

خمین - در روستای "چنار" ژاندارمری بخاطر اینکه جوانان ده از رفتن به سربازی خودداری نموده اند، و خانواده آنها از همکاری با ژاندارمها سرباز زدند، پدران آنها را با زداشت و زندانی کرده است. مردم روستا ضمن اعتراض به این اقدام عمال رژیم جنگ طلبی های سران خائن جمهوری اسلامی را محکوم کردند. آنها می گویند "حکومت همه چیز ما را به تباهی کشانده است، حال دست از سر اعضای خانواده ما بر نمی دارد."

اعتراض روستاییان به ارجانهای حکومتی

اراک - اهالی روستای سنجان که از دخالتهای بی مسئوریت کمیته چپ ها در امور زندگی شان به تنگ آمده اند و بارها به این مراعاتراض

کرده اند، چندین بار که افراد کمیته به روستا آمده اند، روستاییان بطور جمعی از خانه های خود خارج شده و علیه آنان شعار می دهند "ما کمیته نمی خواهیم". این امر خشم پاسداران را برانگیخت و با مردم درگیر شدند، بلافاصله آهنگران فرمانده سپاه پاسداران اراک به روستا آمد و ضمن یک سخنرانی مردم را تهدید نمود.

باختران - درروستای "هورو" حومه باختران، هنگام پخش کودشیمیایی که تحت نظارت افراد جهادانجا می گرفت، روستاییان به کمبود کود اعتراض می کنند، سپاه "گهواره" بلافاصله خبردار شده و با چند ماشین به روستا می آیند، آنها که از دور ازدحام جمعیت را می بینند، شروع به تیراندازی کرده و تعداد زیادی از روستاییان را زخمی می کنند.

نورآباد ممسنی - دامداران عشایری که از کمبود علوفه در مضیقه هستند در هنگام توزیع علوفه توسط ارگانهای حکومتی به آنها اعتراض کرده و با آنان درگیری شوند، آنها به شیوه توزیع علوفه، پارتنی بازی و حمایت توزیع کنندگان از آنها اعتراض می کنند، بلافاصله سپاه در این مسأله دخالت کرده و تعدادی از عشایر محروم را دستگیر می کند.

اقلید - دهقانان زحمتکش روستاهای مختلف که در تابستان امسال از کمی آب در مضیقه بودند، در محل تقسیم آب سد داریوش در کانالهای آب بر اجتماع کردند و به ما موران حکومتی اعتراض نمودند و خود تصمیم گرفتند در پیچه های کانالها را با زکند، ما موران که وضع را چنین دیدند، ارگانهای سرکوبگر رژیم را مطلع ساختند، ولی دهقانان شدیداً مقاومت کردند و زیر بار تهدید و ارباب آنها نرفتند و خواستشان را همچنان پی گرفتند.

دهقانان می گویند مسئولان اداره آب و برق منطقه به دنبال حمایت همه جانبه حکومت از بزرگ مالکان، آب را بطور عمد به مناطقی که بزرگ مالکان در آنجا زمین دارند، روان می کنند و این مسأله باعث شده که محصولات زمینهای ما از بی آبی خشک شود، دهقانان همچنین به حکومتیان اعتراض می کنند که دادن اجازه حفر چاه عمیق به بزرگ مالکان و واگذاری موتور پمپ به آنها ذخایر آب منطقه را شدیداً کاهش داده است و تولیدات آنها را از بین برده است. و روز به روز بر تعداد مهاجرین از روستاهای ما افزایش می یابد.

ایلام - در روستاهای "هولی لان" و "اردلان" مسئولان محلی وارگانهای سرکوب که طی بارها مراجعه قایل نشده اند جوانان مشمول را با زداشت کنند به تلافی سهمیه خواربار و وسایل کشاورزی خانواده های آنان را به خاطر امتناع از همکاری با ژاندارمها و

اعتراض به آنها قطع کردند، مردم روستاهای نامبرده به این اقدام اعتراض نمودند و اعلام داشتند که ما حاضر نیستیم فرزندان خود را طعمه جنگ افروزیهای حکام خائن جمهوری اسلامی کنیم.

اسلامآباد غرب - در روستای "توت شامی" از توابع اسلامآباد غرب، ژاندارم برای با زداشت جوانان مشمول و اعزام آنها به سربازی، روستا را محاصره می کند و خانه ها را یک به یک مورد بازرسی قرار می دهد. مردم روستا نسبت به این اقدام ژاندارمها اعتراض می کنند و با همکاری یکدیگر مانع از آن می شوند که آنها جوانان مشمول و فراری از جبهه ها را دستگیر کنند.

مغان - روستای "لیمولو"، ما موران ژاندارم برای دستگیری مشمولین به جستجوی خانه های روستاییان می پردازند، مردم که وضع را چنین می بینند، فوراً جوانان را مخفی می کنند، و همکازی جانانهای از خود نشان می دهند. ژاندارمها مردم را تهدید می کنند و مورد حمله قرار می دهند. روستاییان قاطعانه در مقابل ژاندارمها می ایستند و به جنگ طلبی های حکام خائن جمهوری اسلامی اعتراض می کنند. ژاندارمها اقدام به تیراندازی می کنند. مردم روستا خشمگین شده آنها را از روستا بیرون می کنند.

اراک - در روستای "ده سد" از توابع اراک سپاه به همراه ژاندارمها برای دستگیری مشمولین به روستا مراجعه می کنند ولی موفق نمی شوند جوانان مشمول را دستگیر سازند. آنها که وضع را چنین می بینند و قیاحانه مادران آنها را با زداشت کرده به زندان اراک منتقل می کنند. این وضع خشم و اعتراض مردم روستا را برمی انگیزد.